

پرولتاریای جهان و خلق های ستمکش متحد شوید

# توده

ارگان سازمان انقلابی حزب توده ایران در خاج از کسور

در این شماره: جنبش کمونیستی ایران

- اوضاع ایران از جنبش تنباکو تا تشکیل حزب کمونیست
- سوسیال دموکراسی انقلابی در ایران
- حزب عدالت
- حزب کمونیست

## به تجارب تاریخی توجه کنیم!

مائتسه دون

دوره جدیدی از انقلاب جهانی پرولتاریا و خلق های ستمدیده و ملت های دربند آغاز گشته است، دوره ای که اضمحلال کامل امپریالیسم و پیروزی سراسری سوسیالیسم را نرید میدهد. زنگ های انقلاب در میهن ما نیز صدا در میآیند و انقلابیون را برای بدوش گرفتن وظائف مهم جدیدی فرا میخوانند. جنبش نوین کمونیستی ایران برای رشد و استحکام ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی خود باید در سه زمینه شناخت عمیق پیدا کند: دست یافتن هرچه بیشتر به تئوری عام مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائتسه دون، جمع بندی تاریخ گذشته بویژه مبارزات انقلابی خلق های ایران و درک عمیق از جنبش های علمی - حال. شناخت عمیق از این مسائل در جریان مبارزه طبقاتی و تدریجا املان پذیراست. این سه منبع شناخت بطور فشرده ای بهم مرتبط اند و یکی را بدون دیگری نمیتوان بدستی شناخت.

مطالعه گذشته با روشن مارکسیستی ما را در حل مسائل علمی جنبش انقلابی کونی میهنمان یاری خواهد داد. در حقیقت مطالعه گذشته بخاطر درک عمیق تر مسائل حال است. جمع بندی صحیح مارکسیستی - لنینیستی از مبارزات مردم ایران گامی در جهت تلفیق تئوری عام بر شرایط مشخص ایران است. نیروی عظیم مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائتسه دون درست در تلفیق آن با پراتیک مشخص انقلابی کشورها نهفته است.

از این دیدگاه است که ما این شماره "نوده" را بیرونی گذشته بخش از جنبش کمونیستی ایران اختصاص داده ایم. این نوشته طبعاً دارای کمبود های زیادی است بدو علت: پائین بودن سطح درک ما از مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائتسه دون و در دست نداشتن خیلی از مدارک و اطلاعات تاریخی.

شته در واقع همان مطالعه مبارزه میان دو خط مشی ایران است. با درک این مبارزات است که مائتسه دون و توده های خلق قادر اند مبارزه کونی پیش برند.

با کون بر سر یک مسئله اساسی دور میزده است: روستائی و در پیش گرفتن راه محاصره شهرها از کون نیز در جنبش انقلابی ایران مبارزه شدیدی

تجارب تاریخی را هرگز نباید فراموش کرد. مطالعه گذشته مبارزه خط مشی درست با نا درست در جنبش کمونیستی کونیست های وفادار به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه را علیه امپریالیسم، رویزیونیسم معاصر و ارتجاع قاطعانه مبارزه میان دو خط مشی از آغاز جنبش کمونیستی ایران تا مبارزه مسلحانه با ائتلاف دهقانان، برقراری پایگاه های طریق دهات یا راه مبارزات شهری و پارلمانی؟ هم

# جنبش کمونیستی ایران

## اوضاع ایران از جنبش تنباکو تا تشکیل حزب کمونیست

( ۱۸۹۰ - ۱۹۲۰ )

مقدمه :

ایران از اوایل قرن ۱۶ میلادی مورد هجوم کشورهای عربی واقع شد . با تسخیر حریره هرمز توسط پرتغالی ها ( ۱۵۰۷ ) راه نفوذ سرمایه های عرب به ایران باز گردید . شرکت های مختلف انگلیسی ، هلندی ، فرانسوی ،

بازت بزرگی در ایران بدست آوردند و در اواخر قرن نوزدهم تقریباً تمام تجارت و مابع درآمد ملی ما را تحت تصرف گرفتند .

دالی ایران که راه توسعه تولید و بسط تجارت و صناعت را سد میکرد ، جنگهای داخلی و خارجی مخصوصاً جنگ ها و بالاخره فساد درباریان و ستمگری شاهان ایران و فئودال ها روز به روز هرج و مرج را در داخل پدید آورده و راه را برای مداخلات استعمارگران غرب که به تدریج نفوذ خود را در ایران زیاد میکردند ، هموارمینمودند . در بطن جامعه فئودالی ایران رشد یافته بود و هسته های اولیه سرمایه داری نیز بوجود آمده بود . ولی هجوم سرمایه خارجی مانع آن شد که سرمایه های ملی ایران رشد طبیعی خود را انجام دهند و به یک کشور سرمایه داری شود . بلکه به علت تبدیل اقتصاد ایران به زائده ای از اقتصاد امپریالیست ها ( قرن بیستم ) ، صورتبندی جامعه ایران از لحاظ اقتصادی و سیاسی دگرگون شد .

ایکه در ایران بوجود آمد بیشتر جنبه تجاری داشت که از طریق صدور فرآورده های داخلی و فروش محصولات ایران میزیست . لذا از یک طرف وابسته به فئودالیسم و از طرف دیگر وابسته به سرمایه داری خارجی بود . در تجارت و صنعت ایران در رقابت با صنوعات و تجارت خارجی ، سرمایه داران ایران ترجیح میدادند سرمایه صرف خرید زمین های زراعی ، شرکت در بازرگانی محصولات کشاورزی ، بازرگانی کالاهای خارجی و دادن وام کان کوچک و خان ها نمایند . بدین سان آنها تدریجاً اشتراک منافع وسیعی با زمین داران و شیوه استثمار کنند و راه هم زیستی را با شیوه تولید فئودالی در پیش گرفتند . در چارچوب این نظام بیه منظمه - بود که سرمایه بازرگانی و سرمایه ربانی رشد کردند .

تأثیر سرمایه داری خارجی و شکافی که در بنای اقتصاد فئودالی ایران بوجود آمده بود ، عده ای کم کم پیدا شدند . سرمایه گذاری میکردند . بورژوازی ملی جوان که از میان تاجران ، مالکان و کارمندان دولتی بوجود آمد ، رقابت سرمایه گذاری خارجی تاب مقاومت نداشت و دچار ورشکستگی میگردد .

بورژوازی ( وابسته به امپریالیسم و ملی ) پرولتاریای ایران نیز از صفوف دهقانان و پیشه وران آهنگ رشد این صبه با رشد سرمایه داری ملی از یک سو و رشد سرمایه داری وابسته از سوی دیگر ارتباط

امپریالیستی در ایران با وجود آن که رشد سرمایه داری ملی را سد میکرد و به رشد سرمایه داری سراسری لیسم کمک مینمود ، ولی در تسریع رشد صبه کارگری تأثیر نمود . صبه کارگر ایران که تحت استثمار صبه ، امپریالیسم و فئودالیسم قرار داشت به علت ضعف کمی ، نداشتن آگاهی سیاسی و تشکل انقلابی ، نیروی مهمی در صحنه اجتماعی ایران در نیامده بود .

کارگران که از بطن جامعه فئودالی ایران در اثر رشد وسائل تولیدی بوجود آمده بودند ، طبقات جدیدی بودند که عقب افتاده فئودالی و رژیم حاکم ایران را که نمایند فئودالیسم و امپریالیسم بود ، مانعی در راه رشد خود میدیدند .

خرده بورژوازی ایران نه از پهنه وراں ، ناست نارای ، صنعتگران ، روشنفکران و روحانیون شنید میزند ، مورد مالتسم فراوانی بود و قانونی برای حمایت از آن وجود نداشت . در میان روحانیون و روشنفکران عده معدودی به علت قدرت مادی ، امتیازات و فرار گرفتن در دستگاه عاقله با برجسته سازش میگردید . ولی قسمت اعظم آنها با توده های فقیر شهری و با دهقانان مرده و ساقه حال در ده پیوند نزدیک داشتند .

دهقانان که اکثریت مطلق امروز جامعه را تشکیل میدادند تحت استثمار و ستم شدید فئودال ها و حکومت استبدادی بودند زمین داران از طریق بهره مانگانه ، سوریات ، بیگاری و ... و مأمورین حکومتی با گرفتن مالیات های گوناگون ، تحت عناوین مختلف ، دارائی با جیر دهقانان را به ثوابت میبردند ، آنها بعد از آن نظر سیاسی و با استفاده از روش های فئودالی دهقانان را مورد انواع ستم ، امتیازات و تجاوز به حقوق اولیه آنان ، قرار میدادند . دهقانان نیروی انسانی عظیمی بودند که در جامعه فئودالی ایران نیروی محرکه واقعی تکامل تاریخ را تشکیل میدادند . هر انقلاب آتی بدون شرکت فعال آنها غیر ممکن بود .

از نظر خارجی رقابت بین قدرت های بزرگ برای به دست گرفتن اقتصاد ایران و اعمال نفوذ سیاسی و به دست آوردن انواع امتیازات از سیه دوم قرن نوزدهم بعد به طور عمده به کشمکش بین روسیه ، تزاری و انگلیس در ایران ملاحظه میشود . حکومت استبدادی ایران و هسته مرکزی آن دربار سلطنتی به ابزاری در دست این دو استعمارگر جهت عارت هر چه بیشتر صنایع ملی تبدیل شد . استعمارگران از طریق فشارهای اقتصادی - سیاسی و نظامی دربار را وادار به تسلیم میگردند . امتیازات گوناگونی که به انحصار های سرمایه داری خارجی داده میشد ، اقتصاد ملی را فلج میکرد . زیرا تقریباً تمام منابع و بازار ایران به دست آنها میافتاد . سرمایه های خارجی به روشنگر مولد و وام ( غیر مولد) به ایران صادر میشد . سرمایه و امپریالیزم مربوط به دولت بود که وضع مالی اسفناکی داشت و با دریافت وامها امتیازات و منابع درآمد مهمی نظیر گمرکات ، معادن و راه ها ، خطوط ارتباطی تلگراف و تلگراف و غیره را به بیگانگان واگذار میکرد . سرمایه مولد خارجی در تولید مواد خام و رشته هایی که درآمد بیشتری داشت فعالیت میکرد . در این زمینه رشد صنعت نفت و تولید مواد خام صنعتی برای بازار جهانی سرمایه داری اهمیت اساسی کسب نمود و به پایه ای رسید که با رشد اقتصاد

و نیروی محرکه ملی و خلق نیروی جدید اجتماعی که تناقض داشت .  
پسین پرستی و رژیم سوسیالیستی را در کشور ایران برپا کردیم . دهقانان با رعایت و شدت نگاهداشتن آنها میشد . دولت های خارجی با تکیه به فئودال ها پایگاه مطمئنی برای نفوذ در ایران یافتند و فئودال ها به نفوذ سیاسی ، اقتصادی و نظامی دول خارجی حامیان نیرومندی برای نجات خود از خطر انهدام قطعی شدند .

رتیب در بین مجموعه تضادهای داخلی کشور ، تضاد بین بورژوازی ملی ، خرده بورژوازی ، دهقانان و کارگران الیسم و بورژوازی وابسته به امپریالیسم که دربار نمایندگی آنها بود از یک سو ، و تضاد بین خلق و امپریالیسم روس و از سوی دیگر دو تضاد اساسی جامعه ما را تشکیل میداد . این تضادها هر روز شدید تر میشدند و در اواخر زدهم به مرحله حادی رسیدند . رشد آتی جامعه ایران به جامعه ای دیمکراتیک و حرکت آن به سوسیالیسم منتهی میشد . این امر را میسر میگردید . این امر را میسر میگردید . این امر را میسر میگردید .  
بر نیروهای انقلابی را به عهده خواهد گرفت . چنانکه بعداً خواهیم دید رهبری این مبارزات بسط مختلف در دست بورژوازی ملی و یا خرده بورژوازی قرار گرفت عملاً این دو تضاد اساسی حل نشدند و جنبش های بعدی نا تمام ماندند و با شکست روبرو شدند .

جنبش تنباکسو

اولین برخورد منتهی شد ، با امضا مه ۱۸۹۱ موخ اعتراض سردهای دولتی رخ دفاع کند . در اصطلاح کاشانکامیابی انگل مقاومت صغی از صرف

بین نیروهای ملی به رهبری بورژوازی ملی با حکومت استبدادی و امپریالیسم که به پیروزی بورژوازی ملی قرار داد و اعطاء امتیاز دخانیات به یک شرکت انگلیسی در ۲۱ مارس ۱۸۹۰ آغاز گردید . از ۲۲ ماه بعد مردم علیه این قرار داد بلند شدند . در اکثر شهرهای ایران تظاهرات و زد و خورد هایی بسط از . اهالی تبریز به شاه تلگراف فرستادند و اعلام کردند که قصد دارند از حقوق خود مسلحانه بهمان یکی از حاکم عمده ، تنباکوی خود را که به دستور ظل السلطان نماینده رژیم دیمکراتیک بسط سوسی تحویل بدهد ، یکجا آتش زدند . مخالفت حاج شیخ محمد تقی نجفی در اصفهان ، دستسور وی ، حمایت دولتی از بزرگ ترین معتمدان حاج میرزا محمد حسن مجتهد شیرازی مفید سامسره

و حاج میرزا حسن آشتیانی و بالاخره تحریم استعمال دهانات از طرف محشده سامره ، در اوائل ژانویه ۱۸۹۲ اغتصاب عمومی در سراسر کشور را دامن زد . در تهران تظاهرات شدیدی رخ داد و مردم به قصر شاه حمله کردند و در نتیجه تیر اندازی سربازان تلفات سنگینی به مردم وارد آمد . رهبری این جنبش در دست بورژوازی ملی بود که بر ضد سرمایه خارجی و وطن فروشی شاه و اطرافیانش برای گرفتن امتیازات برخاسته بود و توانست روحانیون و قشرهای وسیعی از شهر نشینان را به این جنبش بکشاند . بدین ترتیب بعد از دو سال مبارزه ناصرالدین شاه در ۲۶ ژانویه ۱۸۹۲ در اثر فشار مردم مجبور شد این قرار داد را لغو کند .

این اولین موفقیت مردم ایران در مبارزه علیه دربار و امپریالیسم بود . ضربه ای که به سیاست انگلیس در ایران وارد شده بود دربار را مجبور ساخت که برای حفظ موقعیت خود به دولت روسیه تزاری متوسل شود . از آن زمان به بعد نفوذ و تسلط روسیه تزاری در دربار و در سراسر ایران روز به روز افزایش یافت .

### انقلاب مشروطیت

مبارزه بورژوازی ملی برای به دست آوردن آزادی و قانونی که بتواند از او حمایت کند و منافعش را تأمین نماید ، ادامه پیدا کرد . بورژوازی ملی از نارضایتی هائیکه موجود بود استفاده کرد و جنبشی که علاوه بر خودش روحانیون و روشنفکران به طور فعال در رهبری آن شرکت داشتند ، برای به دست آوردن آزادی و مشروطه بوجود آورد . او حرده - بورژوازی شهری را نیز در این مبارزه به دنبال خود کشاند . به تدریج که جنبش وسیع تر و عمیق تر میشد چنان که بعداً خواهیم دید ، جناح های مختلفی در آن به وجود آمد .

مقاومت دربار در مقابل این خواست ها منجر به این شد که چهار سال بعد از به هم خوردن قرار داد تنباکو ناصرالدین شاه که حدود نیم قرن بر مردم ستم کرده بود ، ترور شد . مظفرالدین شاه به کمک و پشتیبانی مشترک دولت های روسیه و انگلستان در ۱۸۹۶ به تخت سلطنت نشست . چپاول و غارت منابع ملی ما و دخالت آشکار در کلیه امور سیاسی و اقتصادی توسط این دو کشور امپریالیستی در زمان سلطنت مظفرالدین شاه به حد کمال رسید . برای نشان دادن این غارت ما به ذکر چند مثال اکتفا میکنیم .

- با دولت روسیه : در سال ۱۸۹۹ موافقت نامه ای با روسها امضا شد که طبق آن بدون رضایت روسها دولت ایران حق نداشت به خارجی ها امتیاز ایجاد راه آهن را واگذار کند . در سال ۱۹۰۰ ، ۲۲ میلیون روبل با تنزیل ۵٪ از دولت روسیه گرفته شد و کمالات شمال به آنها واگذار گردید . در سال ۱۹۰۲ ، ۱۰ میلیون روبل دیگر از دولت روسیه قرض گرفته شد و در ازای این قرضه دولت ایران باز هم بیشتر به دولت تزاری وابسته شد . کنترل انحصار قند ، کبریت و پاره ای دیگر از لوازمات زندگی مردم به روسها واگذار شد . واردات ایران از روسیه بین سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰ به سه برابر افزایش یافت .

- با دولت انگلستان : حق انحصاری ساختمان راه آهن و بهره برداری از منابع زیرزمینی به مدت ۷۰ سال و اداره گمرکات به مدت ۲۰ سال که به یارون رویت در ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ داده شده بود به قوت خود باقی ماند . در ۲۸ مه ۱۹۰۱ در مقابل دریافت ۲۰ هزار لیره انگلیسی مظفرالدین شاه امتیاز نفت را به داری فروخت .

در سال ۱۸۹۹ نوز بلژیکی با دو نفر دیگر برای کار در گمرکات وارد ایران شدند . نوز در بهمن ۱۲۸۲ ( ۱۹۰۲ ) بیما گمرکی و تعرفه جدیدی با روسها بست که کاملاً به زیان ایران بود . بد رفتاری او با بازرگانان و فشار مالیات چی ها باعث شد که نا رضایتی و مبارزه علیه دستگاه استبدادی روز بروز افزون تر گردد . درخواست بنیاد " عدالتخانه " در همه جای ایران " روان گردانیدن قانون اسلام به همگی مردم کشور " ، " برداشتن مسیونوز از سر گمرک و مالیه " ، " بسط داشتن علاء الدوله از حکمرانی تهران " ، " کم نکردن نومانای دهشاهی از مواجب و مستمری " از جمله درخواست هائی بودند که به دنبال این مبارزات از شاه خواسته شدند .

به بین ترتیب ملاحظه میشود که خواست بورژوازی ملی ایران از چارچوب محدود آزادی عمل او تجاوز نمیگردد . بازرگانان خواستار ایجاد بانک و امنیت برای بسط تجارت بودند . به طوری که در سال ۱۹۰۶ از جمله تقاضاهائی که از شاه داشتند ، تضمین برای ایجاد بانک ملی بود .

مظفرالدین شاه در اثر مبارزات چندین ساله مردم در ۴ اوت ۱۹۰۶ دستخط مشروطیت را امضا کرد و چند ماه پسر از اعلان مشروطیت در ۲ ژانویه ۱۹۰۷ مرد . کچه اعلان مشروطیت تقویم

د مکرسی بود ، برای از بین بردن مشروطیت دست به کار شد و علی اصغر اتابک را که یکی از مرتجعین فئودال و از دشمنان سوگند خورده مردم بود به صدر اعظمی خود انتخاب نمود . او همچنین توسط فرماندهان روسی و تحت فرمان آنها نیروی قزاق را جهت حفظ سلطنت خود و سرکوب کردن مشروطیت تجهیز کرد . اتابک نیز با عده ای از روحانیون مرتجع نقشه از بین بردن مجلس را ریخت .

در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ استعمار گران روس و انگلیس که بر تمام شئون سیاسی و اقتصادی ایران دست یافته بودند ، قرار داد ننگین تقسیم ایران را به دو منطقه نفوذ خود امضا کردند . طبق این قرارداد شمال ایران از خراسان تا آذربایجان تحت کنترل روسها بود و جنوب در اختیار انگلیس ها . برای این که تصادمی بین آنها به وجود نیاید قسمت مرکزی ایران را بی طرف اعلام کردند ولی بعداً روسها موافقت کردند که مرکز ایران نیز تحت نفوذ انگلیس ها قرار گیرد . این قرارداد در ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ به دولت ایران اعلام شد .

واکنش نمایندگان مجلس در دوره اول علیه حکمرانان مستبد ، تصویب کار ساختن مسیونوز و هم کارانش از گمرکات ، مخالفت با گرفتن قرضه جملہ صائلی بودند که با مخالفت و خشم شدید دربار روبرو شدند . قزاق دست به کار شد ولی اولین کوشش او در از بین بردن مجلس با ش تبریز و سایر شهرهای ایران به وقوع پیوست و عده زیادی آمادگی خود

علی اصغر اتابک نیز توسط آزادی خواهان ترور شد . محمد علیشاه بر تخت فرماندهی لیاخوف جلاد تزاری مجلس را به توپ بست و پس از از مجلس دفاع می کردند ، نیروهای قزاق موقتاً بر اوضاع چیره شدند .

ملك المتكلمين به دست جلادان شاه افتادند و اکثر آنها در زیر شمشیر شاه يك سال با خود کامکی و بدون وجود مجلس شورا سلطنت کرد ولی وجود بورژوازی تجاری قوی از يك طرف و تأثیر افکار سوسیال د مکرسی و مبارزه علیه حکومت استبدادی در آذربایجان فراهم ساخته بود . و ۱۹۰۸ - ۱۹۰۹ به مرکز مقاومت انقلابیون تبدیل کرد . مبارزه تبریز انجمن تبریز که در ابتدا در دست عناصر سازشکار بورژوازی ملی قرار داشت افراد فعال و آگاه سوسیال دمکرات در تبریز به رهبری علی مسیو توانست گروه فدائی مسلح به رهبری سنارخان که خود از میان خرده بورژوازی بر در شرائطی تشکیل می شدند که از يك طرف در تمام شئون سیاسی ، اقتصادی و وجود آمده ، خیانت به منافع ملی در هیئت حاکمه ایران به سرکرد رژیم حاکمه را فرا گرفته بود . از طرف دیگر خلق آذربایجان که ماهیت را به خوبی می شناخت ، به درستی دریافته بود که ادامه مبارزات سیاسی توده های مردم براه مبارزه مسلحانه را در پیش گرفتند و در آذربایجان تدریج در انقلاب شرکت می کردند ولی شعارها و خواست های انقلابیو دست آوردن آزادی از طریق ایجاد مجلس و برقراری مشروطیت .

بدین ترتیب مبارزه مسلحانه از يك نقطه شروع شد . انقلابیون بعد از یازده ماهه تبریز توسط قوای محمد علیشاه ، توانستند در مقابل نیروهای خلق نیروهای ارتجاعی را شکست داده و دامنه انقلاب را در سایر مناطق قهرمانانه خلق آذربایجان در برابر ارتجاع و پیروزی هائی که به دست داد و کمک مؤثری به اوج گیری نهضت در سایر نقاط ایران بخصوص کیه این مناطق در دست عناصر انقلابی نبود و قبل از این که قوای مسلحانه به تهران برسند قوای معصام السلطنه بختیاری از اصفهان و سردار ام که از خوانین بزرگ و فئودال های بزرگ ایران بودند با امپریالیست های انقلاب را تشکیل میدادند . در ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ تهران به دست ایران

مسئول بودن هیئت وزیران در برابر مجلس ، بر ها و بالاخره مخالفت با قرارداد ننگین ۱۹۰۷ از محمد علیشاه به پشت کرسی مرتجعین و نیروی شکست مواجه شد . زیرا تظاهرات شدیدی در تهران را برای دفاع از مشروطیت اعلام داشتند و برای دومین بار در ۲۲ ژوئن ۱۹۰۸ ( ۲ تیر ۱۲۸۷ ) جنک چند ساعته که طی آن عده ای از آزادی خواهان عده زیادی از فعالین انقلاب مشروطیت و از جمله دژخیمان باغشاه جان دادند و یا اعدام شدند مبارزه مردم ایران قطع نشد .

از طرف دیگر زمینه مساعدی برای رشد مقاومت وجود این عوامل باعث شد که تبریز در سال های علیه استبداد و استعمار هر روز فاطح تر می شد . دست کم کم به دست خرده بورژوازی انقلابی اقتصاد و نتند به کارهای انجمن سمت انقلابی دهند . اولین خاسته بود به وجود آمد . این هسته های انقلابی اقتصادی و اجتماعی کشور وضع نا موزون و نا بسامانی کی دربار به حد اعلا رسیده و تزلزل بی نظیری ارتجاعی هیئت حاکمه و در رأس آن محمد علیشاه ی جز از طریق مبارزات مسلحانه امکان پذیر نیست . مردم شهر نشین از همان آغاز و دهقانان به ن همان شعارهای بورژوازی ملی بود ، یعنی به

گذرانیدن دوره سخت مرحله دفاعی و محاصره ی ارتجاعی ایستادگی کنند و با تکیه به توده های طبق آذربایجان کمترش دهند . مقاومت آورده بود یونانی بودن قدرت دولتی را نشان یان و اصفهان کرد . ولی رهبری جنبش در تمام انقلابی به رهبری سنارخان و باقرخان از آذربایجان بعد از رشت به تهران رسیدند . این افراد انگلیس و روس ارتباط داشتند و جناح سازشکار ن اشخاص فتح شد و محمد علیشاه به سفارت روسیه

بها بده کردید .

موفقی که تبریز فرمانده مقاومت مکرر ، روسها به بهانه 'حفظ جان اتباع خارجی و جلوگیری از غارت اموال آنها تبریز و بعدا مشهد و انزلی ( بندر پهلوی فعلی ) را اشغال کردند و تمام شمال ایران را تحت کنترل خود در آوردند . انگلیس ها نیز در شیراز و اصفهان و سایر مناطق جنوبی ایران لشکر پیاده کردند .

انقلاب مشروطیت کرجه باعث از بین رفتن استبداد محمد علی شاهی گردید و ضربه ای به رژیم کهن فئودالی وارد ساخت ولی نفوذ استعمارگران و تسلط نمایندگان فئودال ها و بورژوا کپرادورها همچنان پا بر جا ماند . عناصر راست بورژوازی و فئودال ها با امپریالیست ها سازش کردند و قدرت سیاسی را به دست گرفتند . بورژوازی ملی و سایر انقلابیون نتوانستند قدرت حاکمه را به دست خود گیرند . علت این ناکامی را باید از یک طرف در ضعف بورژوازی ملی و عدم فاطمیست او در برابر ارتجاع و امپریالیسم ، محدود بودن دید سیاسی انقلابیون و متشکل نبودن آنها و بالاخره ضعف پرولتاریای ایران از نظر آگاهی سیاسی و تشکل حزبی و از طرف دیگر در دخالت های آشکار استعمارگران روس و انگلیس دانست . در این جریان انقلابی دهقانان ، که نیروی واقعی تحول در جامعه ما را تشکیل میدادند ، به مبارزه کشیده نشدند و دامنه مبارزه مشروطه خواهی به طور عمده از شهرها بیرون نرفت . ( در مبارزه برای برانداختن فئودالیسم بدون شرکت فعال دهقانان ، بدون مسلح کردن توده های ملیونی دهقانی نمیتوان امید ی به پیروزی داشت ، همچنان که انقلاب مشروطیت مین ما این درس بزرگ را به ما آموخت ) . شکست انقلاب مشروطیت همچنان نشان داد که بورژوازی ملی ایران آن چنان طبقه ای نیست که بتواند اکثریت توده های زحمتکش را به دنبال خود بکشد و آنها را در انقلاب رهبری کند .

در سر دیگری که انقلاب مشروطیت را در این بود که طبقات حاکمه ( فئودال ها ، کپرادورها ، بوروکرات های اداری و نظامی ) پس از نابود ساختن دست آورد های خلق ، در شکل ظاهری مشروطیت را حفظ کردند ولی در حقیقت راه ورسم سابق سلاطین مستبد و خونخوار را در پیش گرفتند و عملا حکومت فئودال ها را برقرار ساختند و با امپریالیسم برای حفظ موقعیت اجتماعی خود از در دوستی و همکاری در آمدند .

انقلاب مشروطیت این اصل اساسی مارکسیستی - لنینیستی را که " قدرت سیاسی از لوله تفک بیرون می آید " در عمل اثبات کرد . نیروهای انقلابی هرگاه بخش قدرت مسلح خود را تقویت کرده بودند ، توده های زحمتکش شهر و دهقانان را هرچه بیشتر به صفوف خود کشانده بودند و هیچ گاه حاضر نمی شدند حتی یک قبضه تفک خود را بزمین بگذارند ، انقلاب مشروطیت حتما راه دیگری را می پیمود . تجربه انقلاب مشروطیت بما می آموزد که تنها از طریق مبارزه مسلحانه است که خلق قادر است نیروی مسلح ارتجاع را که مهمترین ابزار در ادامه تسلط استبدادی او می باشد ، نابود سازد و زمینه را برای صعود طبقات انقلابی به طبقات حاکم جامعه فراهم نماید .

بعد از شکست انقلاب مشروطیت بورژوازی ملی و خرده بورژوازی تا مدتی از طریق نمایندگان خود در مجلس علیه سیاست دولت ایران و سیاست های استعماری در ایران به مبارزه پرداختند ولی تعداد نمایندگان آنها در مجلس بجز در دوره اول بتدریج کم شد در حالیکه نمایندگان وابسته به فئودال ها ، بورژوازی و زمینداران بیشتر

سراز صندوق های انتخابات امپریالیست ها و هیئت جهت از بین بردن آزاد دوران انقلاب مشروطیت چون ستارخان و باقر سوسیال دمکرات های صورت گرفت .

حکومت حاکمه ایران برای از بین بردن هرگونه جنبش احتمالی به بهانه های مختلف از هر وسیله ای - یخواهان و پیشبرد مقاصد شوم خود استفاده میکردند . فشار ، قتل و کشتار جمعی آزاد یخواهان ، بخصوص در شمال ایران که قشون روس مستقر بود روز بروز زیاد تر میشد . رهبران برجسته ای از طبقه نشسته قبلی ارتجاع از میان برداشته شدند . شخصیت های دیگری نظیر علی صیو و سایر بریز بقتل رسیدند و جنایات زیادی برای ریشه کن ساختن آزاد یخواهان در صفحات شمالی ایران

که امپریالیسم آمریکا هنوز نتوانسته بود در ایران نفوذ و مداخله کند ، مع الوصف تضاد او با روس بخاطر نفوذ در ایران به ویژه پس از کشف منابع نفتی شدید میشد . روس ها و انگلیس ها در ایران داشته باشند . تصمیم مجلس برای جلب مستشاران مالی آمریکا و آمدن هیئت نفوذی

به ریاست مورگان شوستر، که با کمپانی «مسی» «استاندارد اویل» مربوط بود، در ماه مه ۱۹۱۱ به ایران اس‌ان‌سی فرستاده شد. کردیریا برای اولین بار نفوذ آمریکا در ایران بصورت آشکارا شروع شد. در سال ۱۹۱۱ دولت روسیه به دولت ایران پیشنهاد فرستاد تا مورگان شوستر را از ایران اخراج کند و توسط سروهای نظامی خود به دولت فشار وارد آورد. دولت انگلیس از اس‌ان‌سی پشتیبانی کرد. در اثر فشار اس‌ان‌سی دولت، گاسه، حدیدی که کاملاً دست نشانده و تحت فرمان دول روس و انگلیس بود تشکیل شد.

در این دوره امپریالیسم آلمان هم کوشش فراوان مکرر از طریق بازرگانی و کمک‌های مالی و اقتصادی زمینه مساعدی برای نفوذ خود در ایران بوجود آورد و در این راه موقعیت‌های سنتا بررگی به دست آورد. مثلاً حجم تجارت آلمان از سال ۱۹۰۳ تا سال ۱۹۱۲ چهل برابر گردید. البته اس‌ان‌سی هم فقط سرعت‌رشد توسعه بازرگانی ایران و آلمان را نشان می‌دهد از لحاظ کمیت انگلیس و روس کمافی السابق تسلط مطلوب را در این زمینه حفظ می‌کردند.

در سال ۱۹۱۲ تحت فشار انگلیس‌ها قرارداد ۱۹۰۷ در مورد تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ، توسط دولت دست نشانده ایران به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۱۳ به علت اهمیتی که استخراج منابع عظیم نفت جنوب پیدا کرده بود انگلیس‌ها برای تسلط نفوذ مستعمراتی خود و با استفاده از وضع موجود، دولت را مجبور ساختند در جنوب پلیمی بوجود آورد که تحت فرمان فرماندهان انگلیسی اداره شود.

شروع جنگ بین المثل اول و اتحاد عثمانی‌ها و آلمانی‌ها علیه روس‌ها و انگلیس‌ها باعث شد که عثمانی‌ها به ایران لشکر کشی کنند. در نوامبر ۱۹۱۴ فئود عثمانی وارد آذربایجان شد و در آغاز سال ۱۹۱۵ تبریز به اشغال آنها درآمد. در مغرب ایران نیز حربه دیگری بین نیروهای طرفین بوجود آمد.

در چنین شرایطی که ایران استقلال خود را کاملاً از دست داده بود و امپریالیست‌ها حاکم بر منابع و درآمد ملی و سیاسی ما شده بودند در نقاط مختلف هسته‌های مقاومت بوجود می‌آمد. مهمترین آنها در شمال بود که از نیروهای جنگل‌کس تحت رهبری میرزا کوچک خان بود و نعرات امیر مؤید سواد کوهی نیز در آن شرکت داشتند، تشکیل میشد.

جنبش جنگلی‌ها در نواحی کیلان با پرچم مبارزه با نفوذ امپریالیسم انگلستان و روسیه، تزاری در بحبوحه جنگ جهانی اول بوجود آمد. قبل از انقلاب فوری ۱۹۱۲ روسیه، جنبش جنگل بسیار محدود بود. جنگلی‌ها هیچ‌گاه از مناطق خود بیرون نیامدند. خواست‌های آنها از چارچوب اجرای قانون اساسی ایران خارج نمی‌شد. هدف عمده آنها مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست روسی و انگلیسی بود. ترکیب طبقاتی جنبش جنگل در اوائل ۱۹۱۸ از دو گروه بطور عمده تشکیل می‌شد:

الف - گروه اول نماینده طبقات بورژوازی تجاری - مالکین لیبرال و روحانیون بود. رهبری جنبش در اوائل در دست این گروه بود. برنامه آنها اصلاح طلبی، وحدت اسلامی بود. آنها خواستار یک تغییر بنیادی جامعه ایران نبودند بلکه خواهان کم شدن قدرت مطلقه شاه و نفوذ فئودالیسم بودند.

ب - گروه دوم متشکل از فئودال متوسط تجار، خرده بورژوازی و کارگران کشاورزی بود. گروه دوم بعد از انقلاب در روسیه بصورت وسیعی در نهضت جنگل شرکت کرد.

پس از شرکت حزب کمونیست و همکاری آن با جنبش جنگل، ترکیب اجتماعی این جنبش چندین مرحله تغییر و تحول را گذراند. کرجه هسته جنگل آن را دهقانان، خرده بورژوازی شهر و ده و کارگران تشکیل می‌دادند، ولی رهبری در دست کمیته اتحاد اسلام بود. که از مافوق بورژوازی ملی ایران دفاع میکرد و خواستار وحدت اسلامی بود.

صبراً کوجت خان که رهبری جنبش را به عهده داشت از میان خرده بورژوازی برخاسته بود. کوچک خان طلبه مدرسه علوم دینی بود، در حین مشروطه در سال‌های ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ شرکت داشت، در حله به تهران نیز شرکت نمود و با همکاری عده‌ای از انقلابیون مشروطیت حزب «اعتدالیون» را تشکیل داد. در سال ۱۹۱۲ با همکاری دو نفر از طرفداران وحدت اسلامی ترکیه کمیته اتحاد اسلام را در تهران تشکیل داد. با شروع جنگ بین المثل اول این کمیته در تهران بهم خورد و کوچک خان به کیدن بازگشت.

او با رهبری مردم مبارزه و با گرفتن مقداری اسلحه از ترکیه و آلمان توانست طی دوران جنگ اول کیدن را از سلطه حکومت مرکزی آزاد سازد. از ماه مه ۱۹۱۲ روزنامه «جنگل» بعنوان ارکان رسد نهضت جنگل که کمیته اتحاد اسلام رهبری آنرا به عهده داشت، منتشر شد.



عشر نوب های اعلان انتر که سابقه نمود روسیه، تزاری را در ایران ریشه کن نمود امیدی در قلب انقلابیون ایران ایجاد نمود و دامنه فعالیت آنها وسیعتر شد. لنین در پیام خود " به همه" رحمنگشان روسیه و حاور" در سه دسامبر ۱۹۱۷ اعلام کرد که قرارداد تقسیم ایران ( قرارداد مجدد سری ۱۹۱۵ بین روسیه، تزاری و انگلستان ) از همس دریده و معدوم شده است. در همین پیام لنین گفت " بردگی از جانب روسیه و حکومت انقلابی آن در کمین شما نیست بلکه از جانب جهان خواران امپریالیستی اروپا و از جانب آنهاست که میهن شما را به "ستعمره" عارت زده و تاراج شده بدل کرده اند. " در قرارداد متارکه، جنک با آلمان منعقد در شهر برست ( ۱۵ دسامبر ۱۹۱۷ ) بنا به پیشنهاد هیئت نمایندگی شوروی ماده ای گجانیده شد و اثر بر این که نیروهای روس و عثمانی باید فوراً ایران را ترک کنند. مقداری از نیروهای روسیه از دستور دولت انقلابی اطاعت کردند و در ۲۳ مارس ۱۹۱۸ ایران را ترک کردند ولی ارتش عثمانی و انگلیس همچنان باقی ماندند.

در سال ۱۹۱۸ دوبار نیروهای انگلیس با جنگلی ها روبرو شدند. بار اول از آنها شکست خوردند ولی در ماه ژوئن به جنگلی ها شکست سختی وارد آوردند. این بار قزاق های ضد انقلابی روس نیز به آنها کمک میکردند. انگلیس ها بدین ترتیب راه خود را برای رساندن نیرو و ساز و برگ به ضد انقلابی های قفقاز باز کردند. تحت نفوذ جناح سازشکار رهبری جنگ، سازشی بین میرزا کوچک خان و انگلیس ها بعمل آمد که طبق آن راه عبور سربازان انگلیسی بسوی قفقاز و طرق تأمین آذوقه آنها بازگذاشته شد. در مقابل انگلیس ها رسماً میرزا کوچک خان را بعنوان فرماندار گیلان شناختند. با عقب نشینی موقت انقلاب روسیه و محاصره شوروی از جانب مداخله گران خارجی و حملات ارتش های گوناگون سفید، راه برای تسلط کامل انگلیس ها در ایران هموار شد. وثوق الدوله که از سر سیردگان امپراطوری انگلیس بود در اوت ۱۹۱۸ روی کار آمد و در اواخر سال ۱۹۱۸ پس از خروج عثمانی ها تمام کشور زیر تسلط نیروهای انگلیسی درآمد و قرارداد ننگین لاپیتولاسیون در تاریخ ۹ اوت ۱۹۱۹ که طبق آن انگلیس ها کنترل خود را بر کلیه شئون نظامی، اقتصادی و مالی کشور برقرار مینمودند، امضاء شد. مبارزه علیه این قرارداد و موج اعتراض در سرتاسر ایران بلند شد. کوچک خان نیز طی اعلامیه ای مردم را به مبارزه برای برانداختن کابینه و وثوق الدوله دعوت نمود ولی پس از شکست خوردن نیروهای جنگ از قوای دولتی، میرزا کوچک خان از دولت وثوق الدوله تقاضای بخشش کرد. این تقاضا از طرف دولت پذیرفته شد و موافقت شد که نفقات کوچک خان در ردیف نیروهای دولتی بخدمت پذیرفته شوند.

با پیشروی مجدد ارتش سرخ و فرار قوای انگلیس از قفقاز جنبش گیلان مجدداً اوج گرفت. عده زیادی از پیشه وران و دهقانان در اطراف کوچک خان گرد آمدند. اوج گیری مجدد جنبش گیلان هم زمان با پیشروی ارتش سرخ صورت گرفت کوچک خان در بندر انزلی با نمایندگان دولت انقلابی شوروی قراردادی با مفاد زیر امضاء کرد:

۱- عدم اجراء اصول کمونیسم از حیث مصادره اموال و الغاء مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات  
 ۲- تأسیس حکومت جمهوری انقلابی

۳- پس از ورود به تهران و تأسیس مجلس مبعوثان هر نوع حکومتی را که نمایندگان ملت بپذیرند، بوجود آید

۴- سپردن مقدرات انقلاب بدست این حکومت و عدم مداخله شوروی ها در ایران

۵- هیچ قسومی بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران زائد بر قوای موجود ( ۲ هزار نفر) از شوروی به ایران وارد نشود

۶- مخارج این قشون بعهده جمهوری ایران است

۷- مقدار مهمات و اسلحه که از شوروی خواسته شود در مقابل پرداخت قیمت تسلیم نمایند

۸- کالای بازرگانی ایران که در یادگوبه ضبط شده تحویل این حکومت شود

۹- واگذاری کلیه مؤسسات تجاری روسیه در ایران به حکومت جمهوری

سپهر کوچک خان با نیروی مسلح و همراه با احسان اله خان وارد رشت شد و در تاریخ ۵ ماه ژوئن ۱۹۲۰ تشکیل حکومت

موقتی انقلابی گیلان را اعلام نمود و طی تلگرافی به لنین برقراری جمهوری در گیلان و اقدام به تشکیل ارتش سرخ را

اطلاع داد. بعد از ورود جنگلیان به رشت بر حسب توافق که قبلاً بعمل آمده بود شورای انقلاب مرکب از افراد زیر انتخاب شد:

میرزا کوچک خان - کائوک آلمانی ( بنام هوشنگ ) - حسن آلیانی ( معین الرعایا ) - میر صالح مظفر

زاده - کارگارتیلی ( بنام شاپور ) - احسان اله خان - کامران آقایی ( حزب عدالت ) - کارانوف

( فرمانده قوای شوروی در ایران ) . اعضا دولت از عناصر زیر تشکیل میشدند:

میرزا کوچک خان سرکمیسر و کمیسر جنگ ، میر شمس الدین وفاری ( وفار السلطنه ) کمیسر داخله ، سید جعفر کمیسر خارج محمد علی پیر بازاری کمیسر مالیه ، محمود آقا کمیسر قضائی ، آقا نصراله کمیسر پست و تلگراف و تلفن ، محمد علی حماسی کمیسر فوائد عامه ، حاجی محمد جعفر کمیسر معارف و اوقاف ، ابوالقاسم فخرائی کمیسر تجارت .

شورای جنگی نیز مرکب از سه نفر : میرزا کوچک خان ( صدر ) - احسان اله خان ( فرمانده ارتش ) و جواد زاده تشکیل شد . بطوری که از ترکیب شورای انقلاب و حکومت جمهوری گیلان بر می آید ، اکثریت نمایندگان از طرفداران میرزا کوچک خان بودند . خود او نیز مسئولیت مهم سرکمیسر و کمیسر جنگ را بعهده داشت .

در اعلامیه ای که تحت عنوان " فریاد ملت مظلوم ایران از حلقوم فدائیان جنگ " در ۷ ژوئن ۱۹۲۰ منتشر شد هدف جمهوری موقت گیلان چنین بیان شده است :

" قوه ملی جنگ باستظهار و کمک و مساعدت عموم نوع پروران دنیا وباستعانت از اصول حقه سوسیالیسم داخل در مرحله سرخ شد و خود را بنام " جمعیت انقلاب سرخ ایران " معرفی می نماید و آماده است که در سایه فداکاری و از خود گذشتگی همه فوای را که در ایران برای اسارت این قوم و جامعه انسانیت بکار افتاده اند در هم بشکند و اصول عدالت و برادری و برابری را نه تنها در ایران بلکه در جامعه اسلامی توسعه و تعمیم بخشد . مطابق این بیانیه عموم رنجبران و زحمتکشان ایرانی را متوجه میسازد که جمعیت " انقلاب سرخ ایران " نظریاتش را تحت مواد زیر که در تبعیت از آن بوجه ملزمی وفادار خواهد بود باطلاع عموم میرساند :

- ۱ - جمعیت انقلاب سرخ ایران اصول سلطنت را ملغی کرده ، جمهوری را رسماً اعلان می نماید .
- ۲ - حکومت موقت جمهوری حفاظت جان و مال عموم اهالی را بعهده میگیرد .
- ۳ - هر نوع معاهده و قراردادی که بضرر ایران قدیم و جدید با هر دولتی بسته شده ، لغو و باطل می شناسد .
- ۴ - حکومت موقت جمهوری همه اقوام بشر را یکی دانسته ، تساوی حقوق در باره آنان قائل و حفظ شعائر اسلامی را از فرایض میدانند . . . .

بررسی جنبش گیلان تا این مرحله نشان میدهد در عین این که مسئله مبارزه علیه استعمار انگلیس و مقدمه پی ریزی جنبه واحد طبقه کارگر با بورژوازی ملی از نکات مثبت جنبش اند ولی عدم توجه به انقلاب ارضی و در چارچوب آن مصداق نکردن دارای مالکان بزرگ و تقسیم زمین های آنان بین دهقانان و حساسیت رهبری جنبش ( بورژوازی ملی و خرد بورژوازی ) نسبت به تبلیغات کمونیستی نکات منفی جنبش را تشکیل میدهند .

از آنجا که رشد و سرانجام جنبش گیلان از این تاریخ بیحد رابطه مستقیم با شرکت حزب کمونیست در آن دارد لذا بعد در بخش مطالعه حزب کمونیست ادامه این جنبش بررسی خواهد شد .

### قیام شیخ محمد خیابانی

در آذربایجان پیر از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه حزب دمکرات ( به بخش ۲ در مورد نفوذ و رشد افکار سوسیالیسم - دمکراسی در ایران مراجعه شود ) امکان فعالیت علنی یافت و کمیته ایالتی این حزب در صدر بسط شبکه های سازمان خود برآمد . در اواخر اوت ۱۹۱۷ کنفرانسی در تبریز تشکیل داد و کمیته مرکزی برهبری شیخ محمد خیابانی انتخاب

استعمارگران تعیین کرد . شیخ محمد خیابانی وعده ای از رهبران فرقه دمکرات آذربایجان از طرف قشور بازداشت و سپر تبعید شدند . با پیشروی مجدد ارتش سرخ به قفقاز ، در آذربایجان دمکرات ها در قیام کردند . طی دو روز همه ادارات از جمله شهرستانی بدست قیام کنندگان افتاد و در تاریخ ۲۰ ژوئن ملی با برنامه زیرین تشکیل شد . بر انداختن سلطنت ، برقراری جمهوری ، نجات کشور از قید اسارت مختاری آذربایجان و برقراری روابط سیاسی و بازرگانی با شوروی .

قیام تبریز کم کم نقاط دیگر آذربایجان را فرا می گرفت . دولت مرکزی و امپریالیست های انگلیسی برای از بین قیام و سرکوب آن دست بکار شدند . وثوق الدوله موفق بکاری نشد و در ۲۵ ژوئن ۱۹۲۰ مشیر الدوله کاری روی کار آورد و اعلام داشت که از اجرای فرار داد ۱۹۱۹ تا تشکیل مجلس چهارم جلوگیری خواهد نمود و آذربایجان وارد مذاکره شد ولی این مذاکره بجائی نرسید لذا متوسل به حيله و اسلحه شد . مشیر الدوله را که خود از دمکرات های سابق بود به استناداری آذربایجان منسوب کرد و وی در نتیجه اعتماد خیابانی شد و با استعاده ماهرانه از نیروی خلع سلاح نشده فزاق و خیانت فرمانده زاندارمیری جنبش را سرکوب نمود . در تاریخ

۲۲ شهریور ۱۲۹۹ خیابانی بدست قزاقان بقتل رسید و بدین طریق قیام خیابانی پایان یافت .  
 قیام خیابانی ادامه انقلاب مشروطیت بود که در دستور خود دفاع از دست آوردهای انقلابی خلق و تحقق و بسط و تکامل آنرا در شرائط جدید قرار داده بود . در مرکز این قیام ، سیمای انقلابی بزرگی چون شیخ محمد خیابانی میدرخشید که شهادت تفکر و عمل انقلابی هر دو را با هم داشت . گرچه این قیام پیروز نگردید و به هدف های نهائی خود نرسید ولی ضربه محکمی بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی وارد آورد . قیام خیابانی بار دیگر نشان داد که اراده خلق ما در دفاع از آزادی و ادامه انقلاب شکستنا پذیر است و همچنین آن را مرد ابراز داشته بود " سراسر ایران موطن آزاد یخواهان است . "

کمبود های این جنبش را میتوان چنین خلاصه کرد :

- ۱ - ضعف تشکیلات حزب کمونیست در آذربایجان - عدم تکیه رهبری جنبش به دهقانان و مسلح ساختن آنها
- ۲ - رهبری جنبش در دست خرد بوزروازی انقلابی بود و شعار های جنبش قادر به بسیج اکثریت خلق نبود
- ۳ - عدم خلع سلاح نیرو های قزاق در فرصت مناسبی که پیش آمده بود ، اعتماد بیش از اندازه به نیرو های ژاندارمری و عدم سرعت لازم در تشکیل ارتش انقلابی و در هم شکستن نیرو های ضد انقلاب
- ۴ - جدا بودن قیام از سایر جنبش های انقلابی ایران ( گوا این که نماینده ای از طرف شیخ محمد خیابانی برای تعاضد با میرزا کوچک خان فرستاده شده بود ولی عملاً دو جنبش آذربایجان و کیلان بطور مجزا از هم رشد کردند ) .
- ۵ - محدود شدن قیام به تیریز و عدم گسترش سریع آن به سراسر آذربایجان
- ۶ - عدم هوشیاری در مقابل نماینده ضد انقلاب .

### قیام کنل محمد تقی خان پسیان ( در خراسان )

کنل عضو فعال حزب دمکرات ایران بود . پسر از خانه تحصیلانتر در اروپا به تهران آمد و با حزب همکاری میکرد و در فعالیت علیه انگلیس ها و حکومت وثوق الدوله شرکت نمود . پس از سقوط وثوق الدوله و روی کار آمدن مشیرالدوله به فرماندهی ژاندارمری خراسان منصوب گردید .

کودتای سید ضیا الدین و رضا خان و اقدامات عوامفریبانه حکومت سید ضیا الدین ، ( از جمله العا قرار داد ۱۹۱۹ ) و بازداشت عده ای از اشراف و مرتجعین وابسته به انگلستان از آن جمله قوام السلطنه - که بدست خود کنل انجام گرفته بود ، محرک اصلی این جنبش در خراسان گردید .

آزادیخواهان قطع نفوذ انگلیس ها در سیاست خارجی و بر انداختن حکومت اشراف و تشکیل حکومت قانون اساسی ، از نظر سیاست داخلی بود . اما وقایع بعد از روی کار آمدن قوام و تسلط رضا خان بر او را از وی سلب کرد و او را به پیش گرفتن راه مقاومت مسلحانه برای رسیدن به هدف های دمکراتیک سوق داد .

از جنبش کمیته ای مرکب از نمایندگان طبقات مختلف در مشهد بنام " کمیته ملی " تشکیل شد که در پی در ده و شهر دست زد و پیر از کنل نیز تا مدتی به فعالیت ادامه داد . اقدامات مهم " کمیته " عبارت بودند از : " بخشودگی بدهی های عقب افتاده دهقانان و لغو پاره ای از مالیاتها و بعضی ی فتوای - سرو سامان دادن به وضع مالی ، تعیین مالیات معین جنسی و نقدی برای مالکان و " برای کمک به حوالت های جنبش از طریق اموال مصادره شده مالکان و کمک بعضی از نمایندگان استان - انجام اقداماتی برای راه سازی بین شهرها و دهات - ایجاد یک بیمارستان با کمک افسران ژاندارمری و معالجه رایگان افراد ستم دیده - ایجاد مدارس و پرورشگاه - منع دخالت کسولگری انگلیس ...

ملی " با شعار اصلاحات ارضی دمکراتها به روستا رفت گرچه عملاً در جریان قیام اقدامات ریشه ای در ک و ولی همان اقدامات سطحی اولیه نیز توانست پشتیبانی دهقانان را نسبت بقیام جلب کند .

خان با همکاری انگلیس ها موفق به ایجاد نوطه ای علیه کنل شدند که در ۲۱ آوریل ۱۹۲۱ منجر به شد . هر چند که تا مدتی بعد از قتل کنل " کمیته ملی " و دهقانان مسلح اطراف مشهد مبارزه را عملاً با از بین رفتن کنل این قیام دچار شکست شد .

علل شکست قیام کنندگان را میتوان چنین خلاصه کرد :

۱ - ضعف تشکیلات حزب کمونیست و بودن رهبری در دست خرده بورژوازی انقلابی

۲ - ضعف نیروی قیام کنندگان و قدرت ارتجاع ( بطور عمده مالکین وابسته به انگلیس در حراسان )

۳ - فروکش نهضت بطور کلی در سراسر ایران ( شکست قیام خیابانی - تشتت نیروهای انقلابی گیلان ) و عدم ارتباط قیام ها با یکدیگر .

جنبش های انقلابی پس از انقلاب مشروطیت ، در واقع ادامه مبارزه خلق های ایران برای تحقق رادیکالترین آرمان های این انقلاب و عمیق تر کردن آن بود . در طول این مبارزات ، با نفوذ عقاید علمی مارکسیستی ، جنبش های انقلابی خواستار تغییرات عمیق تر اقتصادی و اجتماعی شدند و صفوف آنها را بیشتر و بیشتر کارگران و دهقانان پر کردند . بسط و توسعه جنبش های علمی انقلابی از یکسو و نفوذ و رشد عقاید و اسلوب کار مارکسیستی از سوی دیگر زمینه را برای ایجاد حزب کمونیست ایران بوجود آورد .

حزب کمونیست زائیده مبارزات و جنبش های آن زمان بود و پیروزی انقلاب کبیر اکثریت بلشویسم را بطور نهایی برای خلق های ستمدیده خاور و از آن جمله برای خلق های ایران به ارمغان آورد . ایجاد حزب کمونیست در چنین شرایطی به انقلاب ایران سیما کاملاً نوبنی داد .

## سوسیال دمکراسی انقلابی در ایران

انقلاب ( ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ ) در روسیه و ضربه ای که این انقلاب به رژیم تزاری وارد ساخت ، به رشد جنبش انقلابی ایران کمک کرد . رشد جنبش سوسیال دمکراسی در ایران تا موزون بود . این جنبش در آستانه انقلاب مشروطیت ( ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ ) بوجود آمد ، شکل گرفت و رشد کرد . سوسیال دمکرات ها فعالانه در این انقلاب شرکت کردند و علیه دربار که نماینده امپریالیست های روس و انگلیس بود فعالانه مبارزه کردند .

افکار سوسیال دمکراسی انقلابی توسط کارگران ایرانی که در معادن نفت و مراکز صنعتی قفقاز کار میکردند ، روشنفکران ایرانی که در روسیه تزاری و اروپا تحصیل میکردند و سوسیال دمکرات های انقلابی روس در ایران بسط و توسعه یافت . طبق آمارهای دولت تزاری ، قبل از جنگ بین الملل اول در حدود ۱۰٪ مجموع کارگران مؤسسات ماورا قفقاز و ۵۰٪ کارگران نفت باکورا مسلمانان تشکیل میدادند و اکثریت آنها ایرانی بودند . عده زیادی از این کارگران بطور فصلی در آن جا کار میکردند . تعداد کارگران ایرانی بیش از ۶۰ هزار نفر بود . کارگران در کلبه جنبش های کارگری آن نواحی شرکت فعال داشتند .

### حزب اجتماعیون عامیون ایران

در سال ۱۹۰۴ سوسیال دمکرات های باکو جمعیت خاصی بنام " جمعیت " برای کار در میان کارگران ایران بوجود آوردند . این جمعیت که حلقه واسطه میان کارگران ، بخصوص کارگران ایرانی و سوسیال دمکرات های انقلابی بسود بعداً ( ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ ) شالوده حزب سوسیال دمکرات ایران - " اجتماعیون عامیون " را ریخت . در برنامه حزب " اجتماعیون عامیون " که کمیته مرکزی آن در باکو بود ، خواست های زیر مطرح شدند :

" . . . . اول ( جمیع ملک . . . . و زمین باید در تحت اختیار آن کسی باشد که با رنج دست خود میگرداند نه بی استعانت عمل و فعله .

دوم ( اربابان صنایع چه شاگرد و چه مزدور یا اشخاص فعله و عمله چه نوکر از قبیل میرزا و دفتر دار و سر رشته دارو غیره که از کسب یومیه نان خود را تحصیل میکنند ، باید در شب و روز بیشتر از هشت ساعت کار نکنند یعنی مجبور نباشند بیشتر کار کنند مگر به میل خودشان یا به طمع زیادی اجرت و مواجب و اجرت یومیه آنها باید افزوده شود . سوم ) باید زنهای بیوه و اطفال بی پرستار یا پیر مردان که بواسطه سالخوردگی قادر بر کار کردن نیستند ، از طرف دولت پرستاری و مراعات شوند یعنی در حق ایشان اعانه برقرار شود .

چهارم ( اشخاصی که از آمدن فقر در خرابه ها و در زیر زمین های تحت اوسر " تعالی صلح منق " خود که عورت ها بعضی امراض مزمن اند و اقلین و غیره میگردند ، باید از جهت ایشان از طرف دولت منزل های ارزان ساخته شود و

معان این سزل ها از جانب دولت باشد ، بعد به قیمت ارزان کرایه بدهند .

پنجم ) از جهت اطفال یتیم و فقیر در هر شهر و قریه مکاتب و مدارس تأسیس شود .

ششم ) مالیات ریوانی باید کم شود ( عوارض ) . باین ترتیب از اشخاصی که بی بضاعت و مفلسند نباید عوارض و مالیات مواخذه شود مگر اشخاص دارنده که از قدر گذران سالیانه خود زیاد تر داشته باشند و هرچه از گذران بیشتر بمانند مالیات باو تعلق خواهد گرفت ، به مناسب مال از کم کم و از زیاد زیاد خواه نقد باشد یا جنس ، چه در شهرها و چه در هات چنانچه شرح او خواهد آمد .

هفتم ) تخفیف گمرک است . اشیائی که از خارجه می آید که فقرا محتاج باو هستند از قبیل قند و چای و نفت و غیره باید از گمرک آنها کاست تا ارزان شود .

این فرقه آزادی طلب مقصودشان این است . آن کسانی که خون ملت می خورند از قبیل حکومت و سرتیپ و سرهنگ و سایر صاحب منصب و تابعین حکومت مثل فرائز و غیره ، ملت بیچاره از دست این ستم کاران آزادی بخشد . آیات ملت را چگونه باید خلاص کرد .

اول ) باید از حکومت درخواست کرد آزادی مشروط را یعنی جماعت در کمال آزادی در یک جا جمع شده در کار خود مصلحت نماید .

دوم ) آزادی لسان یعنی جمعیت با حکومت و دولت بتوانند گفتگو نمایند و هر چیزی را که مضر بحال ملت است رفع نمایند سوم ) آزادی مطبوعات یعنی کتاب ها و روزنامه ها که جماعت بتوانند به ذریعه روزنامجات احتیاجات خودشان را نوشته و منتشر نمایند از طرف دولت ممنوع نباشد .

چهارم ) آزادی اتفاق اربابان صنایع و حرفت در خصوص احتیاجات نسبت به صنعت خودشان اتفاق نموده هر چه لازم باشد از دولت طلب نمایند چون که در هر کاری جمعیت اتفاق شد میتواند کاری از پیش ببرد نه این که یک نفر یا دو نفر .

پنجم ) آزادی مذهب یعنی از روی قانون شریعت مطهره هر کس بهر دین و مذهب که هست نباید او را مجبور کرد که ترک مذهب خود را بگوید و بدین دیگری گرویده شود مگر به میل خودش و حکومت هم مختار نباشد که کسی را جبرا بدین دیگری دعوت نماید تا این که تمام ملل با یکدیگر برابر و وار رفتار نمایند .

ششم ) آزادی تعطیل یعنی عمه و مزدور هر گاه خواسته باشند متعاقب جمع شده محضر پیشرفت مطالب خود در خصوص

.....

مناطق شمالی ایران و بخصوص آذربایجان بعلمت موقعیت جغرافیائی خاصی که داشت بیش از سایر استان های ایران در معرض افکار سوسیال دمکراسی قرار گرفت . در تبریز انجمنی بنام " مرکز غیبی " توسط علی مسیو ، حاجی علی دوا - فروش و حاجی رسول صدقیانی و چند نفر دیگر بوجود آمد . آنها مرامنامه جمعیت اجتماعیون عامیون قفقاز را که نریمان - او ف رهبری میکرد ، بزبان فارسی ترجمه کردند و دسته " مجاهدان " را پدید آوردند که علنی کار میکردند و در انجمن تبریز بطور فعال شرکت داشتند . " مرکز غیبی " رهبری این دسته را که در اداره انجمن تبریز ، فاطع ترکردن آن در مقابل فشار دستگاه استبدادی محمد علیشاه و بالاخره سمت دادن به انقلابیون مشروطه تأثیر زیادی گذاشت ، بعهدہ داشت .

" مجاهدان " در واقع جمعیتی نوده ای بود که سوسیال دمکرات ها آن را رهبری میکردند . در دوره اول مشروطیت یگانه حزب متشکل سوسیال دمکرات - اجتماعیون عامیون بود و " مجاهد " ارکان مطبوعاتی آن در تبریز انتشار میافت . در مشهد در سال ۱۹۰۵ دستور نامه ای بنام " دستور نامه حزب سوسیال دمکرات ایران " تصویب شد . این دستور نامه در واقع برای تشکیل جمعیتی در آنجا و همسو کردن مبارزات طبقات مختلف که در انقلاب مشروطیت منافع مشترکی داشتند ، نوشته شده بود . ولی در سال ۱۹۰۷ مرامنامه و اساسنامه جدیدی که نسبت به دستور نامه قبلی مترقی تر بود بنام " جمعیت مجاهدان " در مشهد تصویب میشود که از بسیاری جهات شبیه برنامه جمعیت " همت " است . در این اساسنامه گفته میشود که کمیته مرکزی جمعیت مانند سابق در قفقاز است و جمعیت در تهران ، مشهد اصفهان ، رشت و تغلیس دارای شعب میباشد . در عشق آباد نیز شعبه فرعی ای وجود داشت که توسط کمیته مشهد اداره میشد . عدم یک مرامنامه واحد برای حزب " اجتماعیون عامیون " را باید در مواضع سیاسی مختلف رهبران سازمان های آن دانست . اعضا حزب در انقلاب مشروطیت فعالیت شایانی نمودند ولی حزب از لحاظ ایدئولوژیکی

و سیاسی وحدت یکپارچه نداشت . بزرگترین نفوذ را در سال های ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ کمیته باکو داشت که کمیته مرکزی محسوب میشد و با سازمان های خود در آذربایجان ، گیلان ، تهران و سایر نقاط ارتباط داشت . یکی از کسانی که در ایجاد سوسیال دمکراسی ایران نقش فعال داشته است حیدر خان عمو اوغلی است . او از اوائل ۱۹۰۱ در بین کارگران و ایرانیان مقیم باکو فعالیت میکرد ولی در اثر تعقیب پلیس آنجا را ترک کرده و در سال ۱۹۰۳ در تهران و سپس در مشهد به مدت ۱۱ ماه اقامت کرد . بعد از آن او به تهران برگشت و در آنجا حوزه ۷ نفری تشکیل داده و به فرقه " اجتماعيون عاميون روسيه اطلاع داد که فرقه " اجتماعيون عاميون " در ایران را تشکیل داده است . این مقارن با زمانی است که سوسیال دمکرات های ایرانی در قفقاز نیز فعالیت خود را آغاز کرده بودند . واحد تهران با واحد های حزب در تبریز ، باکو و تفلیس ارتباط داشت . اعضا این واحد را بیشتر روشنفکران تشکیل میدادند . از جمله کسانی که عضو این واحد بودند نام ملك المتكلمين ، صور اسرافیل ، صادق طاهباز ، محمدعلی - خان تربیت ، سلیمان میرزا اسکندری ، علی اکبر دهخدا ، سید کمره شی ، اسداله خان کردستانی ( نماینده مجلس ) میرزا آقا ( مدیر روزنامه " عصر انقلاب ) و غیره را میتوان نام برد . سلیمان میرزا اسکندری در سال ۱۹۰۹ حزب دمکرات ایران را تاسیس کرد .

حیدر پسر از شکست انقلاب ۱۹۰۵ بارویا سفر کرد و در ضمن همین سفرها است که وی فن ساختن بمب و استفاده از اسلحه را یاد گرفت . در سال ۱۹۰۷ مجدداً به ایران بازگشت و بطور فعالی در انقلاب مشروطیت شرکت نمود . او فرماندهی نیروهای انقلابی را در ناحیه خوی و ماکو بعهده داشت . در آنجا هنگام بین الطللی مرکب از جوانان کرد آذربایجانی ، ارمنی ، آسوری ، گرجی و ترک تشکیل داده و آنها را رهبری کرد و نیروهای مسلح عشایری کرد را در آن منطقه که علیه مشروطه خواهان بجنگ کشیده شده بودند شکست داد .

بطور کلی باید گفت که سوسیال دمکرات های ایرانی و قفقازی فعالیت بسیار ارزنده ای در پیشبرد انقلاب مشروطیت از خود نشان دادند . در پیامی که هنگام انقلاب با اعضا " حزب سوسیال دمکرات ایران " خطاب به مردم کشور صادر شد ، گفته میشود که :

" سوسیال دمکراسی ایران بود که مشروطیت را گرفت ، دفاع تبریز را سازمان داد و در آن هنگام که استبداد خود را در همه جا پیروزند میدانست و در صفوف آزادی خواهان ایران یأس و ناامیدی حکمفرما بود لشکر کشی بتهران را تهیه دید " این پیام مربوط بزمانی است که دخالت نیروهای اجنبی خطر جدی برای سرنوشت انقلاب و استقلال کشور فراهم ساخته بود . حزب سوسیال دمکرات " مردم صادق و با شرافت را دعوت میکند که زیر پرچم وی گرد آیند ، حکومت ضغفر را سرنگون کنند و کشور را از ستم خارجی که میتواند آخرین آثار آزادی را ، که با آن همه مشقت بدست آمده از بین ببرد ، نجات دهند ."

عده ای از روشنفکران انقلابی در داخل و خارج از جمله فعالین سوسیال دمکرات بودند و خدمات گرانبهائی انجام دادند . از فعالین این گروه میتوان میرزا جعفر ناطق حسین زاده ، عظیم عظیم زاده ، میرزا اسداله غفار زاده را نام برد . عده ای از آنان از جمله میرزا جعفر ناطق حسین زاده در خوی و عظیم عظیم زاده در زنجان در جریان انقلاب مشروطیت بدار آویخته شدند .

میرزا اسداله غفار زاده یکی از فعالین جنبش سوسیال دمکراسی ایران بود و چنانچه بعداً خواهیم دید از اعضا و بانیان فعال حزب " عدالت " و سپس " حزب کمونیست " گردید .

همانطور که قبلاً ذکر شد فعالیت سوسیال دمکرات ها در آذربایجان بسیار زیاد بود . برخی اسناد مهم درباره فعالیت آنها که نمودار درجه و رشد آگاهی ایشان است و از آرشیو شخصی پلخانف بدست آمده اند ، عبارتند از :

صورت جلسه شماره یک مورخه ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ سی نفر از سوسیال دمکرات های تبریز ، نامه ای به اعضا " واسو از تبریز " به پلخانف مورخه ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ ، نامه مورخه ۳ دسامبر ۱۹۰۸ خطاب به رجال جنبش سوسیال دمکرات اروپا که از طرف بخشی از این گروه به اعضا " تیکران " دروینی ارسال شده است ، نامه ای به اعضا " چلنگریان از تبریز بنام پلخانف مورخه ۱۰ دسامبر ۱۹۰۸ .

صورت جلسه مورخه ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ حاکی است که در این جلسه که صدر آن سدراک اول و منشی آن واسو بوده است پیشنهاد آرشادیر و واسو د اثر بلزوم تشکیل گروه مستقل سوسیال دمکرات و پیشنهاد مخالف واصله از طرف ورام و سدراک دوم د اثر به صلاح نبودن فعالیت صرفاً سوسیال دمکرات بذاکره گذارده شده است . طرفداران پیشنهاد اول استدلال

میکردند که ایران وارد مرحله تکامل سرمایه داری شده ، در کشور نقطه هائی از صناعت دیده میشود امکان آن پیدا شد که بین پرولتاریا فعالیت شود ، در صورت عدم فعالیت ممکن است بورژوازی از پرولتاریا بِنفع خود استفاده کند . همچنان که در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و سپس در انقلاب های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ دیده شد . " امروز هم در ایران مبارزه فعال را مردم ، یعنی در درجه اول عناصر فاقد مالکیت انجام میدهند " ، پشتیبانی مطلق از شعارهای بورژوازی در حقیقت بمعنای دفاع از این طبقه و جلوگیری از رشد انقلاب خواهد بود ، سوسیالیست ها نمی توانند با نمایندگان دمکراسی بورژوازی آمیخته شوند زیرا . " (۱) سوسیالیست ها دمکرات ها را با آنها در مبارزه با سرمایه داری نمی آمیختند .

تشکیل  
عمومی  
واسو  
وجود دارد  
آنان خود  
یعنی علیه  
دانسته است  
وقت چنین  
توده ای ( مل  
در این نامه  
نفوذ عظیم  
واسو مینویسد  
رهبری سوسی  
افزاده شد و ک  
او همچنین  
نفر کار وجود  
چلنگریان نیز  
ایده های مارک  
بدین ترتیب  
آنها روشن بود  
را رد میکردند که چو  
دیگر آن که آنها با ایر  
وارد میکند و بنا براین

فعالیت سوسیال دمکراسی در ایران اظهار عقیده میکند و میگوید سوسیالیست ها فقط باید در مبارزه دمکراتیک توده ها شرکت جویند زیرا رشد اقتصادی کشور هنوز پرولتاریای صنعتی جدید در ایران بوجود نیاورده است .  
رنامه مورخه ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ به پلخانف صحت نظریه کائوتسکی را مورد تردید قرار میدهد .  
در این صورت آیا سوسیال دمکرات ها حق دارند از متشکل کردن کارگران و مبارزه در راه از دیار دستمز  
اری کنند ؟ " . او در این نامه از پلخانف ضمنا سؤال کرده است : آیا صلاح است بِنفع آزادی بازرگانی  
یاست گمرکی تبلیغ شود ؟ خود او چنین سیاستی را مضر بحال " ایجاد پرولتاریای صنعتی " در ایران  
" . او سؤال میکند که : آیا سوسیال دمکرات ها باید در مبارزه علیه سرمایه خارجی شرکت کنند و " چه  
ارزه ای ارتجاعی است و چه وقت ارتجاعی نیست " . و نیز : آیا سوسیال دمکرات ها باید نیروی شهرانی  
سین) تشکیل دهند یا نه ؟ خود او چنین نیروی را صلاح میدانسته است .  
اطلاعاتی درباره فعالیت سوسیال دمکرات های تبریز داده میشود . او مینویسد سوسیال دمکرات ها در تبریز  
" دارند و در همه مسائل به آنها مراجعه میشود .  
که در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۰۸ در سه کارخانه چرم سازی تبریز که مجموعا دارای ۱۵۰ نفر کارگر بودند تحت  
ل دمکرات ها اعتصاب شد . . . در تاریخ ۳۱ اکتبر این اعتصاب بِنفع کارگران پایان یافت . مزد آنها  
ار فرما قبول کرد که کارگران اعتصاب را اخراج ننماید .  
ریاره" کمبود کار با معلومات سیاسی مینویسد : " در میان آمدگان تنها ۴ نفر در میان محلی ها تنها و  
دارند که بتوانند از پرنسب های سوسیال دمکراسی دفاع نمایند " .  
رنامه خود به پلخانف مینویسد که سوسیال دمکرات های تبریز " گروه کوچکی از روشنفکران هستند که تبلیغ  
کسیسم را هدف خویش قرار داده اند " . این روشنفکران در روسیه تحصیل کرده بودند .  
میتوان رشد سیاسی ، ایدئولوژیک و تشکیلاتی سوسیال دمکرات های تبریز را مشاهده کرد . برای اکثریت  
که باید بر اساس نقطه نظر های دولتاریا معتقد بود . جنبش انقلابی که در آن براریزوتنیسی  
ن نیروهای مولده در کشور رشد نکرده اند ، نمی توان سازمان سیاسی پرولتری بوجود آورد .  
ن تز رویزیونیستی مخالفت داشتند که گویا امیرالیمم ، مناسبات سرمایه داری در کشور عقب افتاده  
مترقی است و نباید با آن مبارزه کرد . اینها دست آوردهای مهمی در جنبش سوسیال دمکراتیک

ایران است که شایسته توجه میباشد .

حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه نیز با فرستادن عده ای از انقلابیون بایران کمک برجسته ای بانقلاب مشروطیت نمودند . از جمله کسانی که بایران فرستاده شدند رجل سیاسی و انقلابی مشهور ک . ک . اورژنیکیدزه بود که در پائیز سال ۱۹۰۹ بایران آمد و قریب یک سال یعنی تا نوامبر ۱۹۱۰ بفواصلی در ایران بسربرد . گروه سوسیال دمکرات های رشت بکک او برای اولین بار دست بترجمه "مانیفست حزب کمونیست" زدند . این ترجمه بانجام نرسید . در رشت ککوی بنام ککوپ انترناسیونال تشکیل شد و اورژنیکیدزه سخنرانی هایی درباره انقلاب ۱۹۰۵ روسیه ، درباره اشتراک منافع خلق های ایران ، ماورا قفقاز و روسیه ، درباره مبارزه کارگران و روستائیان ایران ، مصادره املاک فقووال ها و غیره ایراد کرد . او بهمراهی انقلابی مشهور آذربایجان مشهدی عزیز بگف بعضویت حزب سوسیال دمکرات ایران برگزیده شد .

سوسیال دمکرات های انقلابی روسیه بطور عمده پس از بتوپ بستن مجلس در سال ۱۹۰۸ توسط لیاخف قزاق روس به ایران آمدند . آنها علاوه بر کمک مستقیم از طریق چاپ مطبوعات ( در مطابع مخفی باکو و باطوم ) و ارسال اسلحه و تهیه مطبعه بانقلابیون ایران کمک میکردند .

در سال ۱۹۰۹ حزب دمکرات ایران تشکیل شد . سلیمان میرزا اسکندری از بنیان این حزب بود ، او خود قبلا عضو حزب سوسیال دمکرات بود . در برنامه این حزب مسائل زیر مطرح شدند : ایجاد ارتش ملی از طریق نظام وظیفه ،

از مذهب ، قانون منع احتیاجه برقراری تعینات اجباری و تعیین املاک بین مستحقین و الیت بانقلاب .  
کشتاورزی . این زمان کوتاهی ست مجلس بفرستد .

روزنامه " ایران " داشتند لذا مقدمات سوسیالیسم شخصیت مارکس در مقاله دیگری اجتماعیه است . انگس به اشتار و بالاخره در نگرفته تأثیر عو در این روزنامه روستاها ریویزه ...

سلیمان میرزا و شیخ محمد خیابانی از جمله نمایندگان این حزب در مجلس بودند .  
ارگان حزب دمکرات بود . بعلمت این که بعضی از نویسندگان " ایران نو " با مارکسیسم آشنا نبودند ، در آن نوشته میشد . در شماره ۱۶ مورخه ۹ نوامبر ۱۹۱۰ این روزنامه ، درباره بنیان میلی " سن سیمون " و " اوون " و بنیان گذاران سوسیالیسم علمی مارکس و انگلس صحبت کرده و درباره عقاید علمی او و اهمیت کتاب سرمایه نظر میدهد .

از ضرورت تاریخی انقلاب اجتماعی سخن میگویی و جمله مشهور مارکس را که " انقلاب قایله " هیئت های خاطر نشان میسازد . از " مانیفست حزب کمونیست " از " انتقادی از اقتصاد سیاسی " و از نامه مشهور کتوبرک نقل قول میآورد . در مقاله دیگری از " ترور " و درک ایده آلیستی و سوبژکتیویستی انتقاد میکند شماره دیگری نشان میدهد که آموزش ماتریالیسم تاریخی بهیچوجه نقش افکار پیشرو و مترقی را نادریده و اصل ذهنی را انکار نمیکند .

از تلیق اندیشه های مارکسیستی به اوضاع مشخص جامعه صحبت شده و لزوم جلب توده های وسیع ایلات و عشایر را به جنبش انقلابی تأکید میکند و برای تأیید این موضوع از کارل لیبکشت نقل و قول میآورد .  
در اروپا همی انتقادی جزید و معاونت سیاسی هر چیز ...

تاریخچه ...  
فرقه اجتماعیون عامیون منتشر شد . در این بیانیه گفته میشود : ... در این موقع که برو اجتماعيون حسن نتیجه داده ، بساط عدالت و مشروطیت در ایران گسترده شده ، متأسفانه به ( وابستگی ) به این فرقه خود را عزیز بی جهت قرار داده پیروی اصول کیف مایشا شده بنای با این که در این بحران مملکت تشکیل پارتی و اجرای مقاصد خود پرستی نهایت مضرت را دار مقدس عجالتا دستجات اجتماعیون عامیون فرقه مجاهد از تهران و سایر بلاد ایران توقیف و انتخاب اشخاص لایق نوع پرستی غرض به بعدا موکول نمودیم ...  
گرچه احتیاج به مطالعه بیشتری است ولی این بیانیه نشان میدهد شعبات اجتماعیون عامیون میکردند و سازمان هایی توده ای بودند که در انقلاب مشروطیت فعالیت میکردند ، پس از پاید بعلمت وضع ناهمگونی که داشتند از طرف مرکز فرقه منحل میشوند .



در ماه مه سال ۱۹۱۰ در شهرهای زوریخ، بال و ژنو پاریس کنفرانس‌هایی توسط سوسیال دمکرات‌های مهاجر روس تشکیل می‌شود که «بنیاد خبر روزنامه» «ایران نو» یکی از سوسیال دمکرات‌های روسیه بنام «تاریا» که در انقلاب مشروطیت شرکت جسته بود سخنرانی میکند و قطعنامه‌ای بر پایه گزارش او درباره وضعیت ایران در ۲۳ ماه مه در پاریس تصویب میشود و نسبت به سیاست دول امپریالیستی روسیه تزاری و انگلستان در ایران اعتراض میشود.

لنین اصرار می‌ورزد که متن گزارش «تاریا» درباره ایران چاپ و منتشر شود. عنوان آن «سوسیال دمکرات‌های قفقاز در انقلاب ایران» بود.

در ۱۶ اوت ۱۹۱۱ بیانیه‌ای در تهران بنام «مخلوع به ایران از طرف «فرقه» اجتماعین عامیون ایران در قفقاز» به سوسیالیسم بین‌المللی تحت عنوان «استمدار از کارگران (بین‌المللی)» انتشار یافته و مخبره میشود.

در بین بیسیه بعد از در حصدت ضد انسانی مداخلات امپراطوری‌های روس و انگلیس که در مقابل یک زمره یغماگران آزادی بین‌المللی و دسته پیش قدم فساد و اضمحلال بشریت آزادی ملک هیچگاه هوا خواه استقلال و حریت وطن بلا دیده ما نبوده اند.

«ما هواخواهان استقلال و تمامیت ملکیه ملت ایران، ما دشمنان پر جوش و خروش دزد را واجب است که برای پیروزی یافتن در این کشمکش و مبارزه حیاتی سعی و کوشش اندکی در این روزگاران غم‌آور و ایام محن‌زا برای کامیاب شدن بمقصود از کارگران اجتماعین بین‌المللی عناصری باید استعمانت کنیم؟!»

فقط صنعت کارگران دوستدار صادق و صمیمی تمام ملک مقهوره و حریت‌هایی که آماج سهام اخوت بین‌المللی و دشمن پرخطر یغماگری اصول سرمایه داری در این جا طرف خطاب و اخوت ملک! زنده باد اجتماعین بین‌المللی! «فرقه» اجتماعین عامیون ایران در قفقاز این اعلامیه بخوبی نشان میدهد که نسبت به سال‌های اول فعالیت خود فرقه اجتماعین عامیون را عمیق تر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار میدهد. توجه به سیستم غارتگری منظم کارکنان و دستار صادق و صمیمی ملک مقهوره و دشمن پرخطر یغماگری اصول سرمایه داری بین‌المللی از جمله نکات برجسته این بیانیه است. این بیانیه در ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ مرکزی حزب بلشویک روسیه فرستاده شده و چاپ میشود.

در سال ۱۹۱۲ حزب سوسیال دمکرات کارگری روس (حزب بلشویک) کنفرانس ششم خود حیدر خان عمو اوغلی بوسیله اورژ نیکیدزه و دو نفر دیگر اوضاع ایران را به لنین اطلاع میدهد. «حمله» حکومت تزاری بایران صادر شده و از مبارزه سوسیال دمکرات‌های ایران پشتیبانی در این کنفرانس قطعنامه‌ای در این باره پیشنهاد کرد:

«حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه علیه سیاست غارتگرانه دارو دسته تزار که مصمم به شده و در این مورد از هیچگونه عمل وحشیانه و رذیله‌های خود داری نمیکند اعتراض می‌کند. کنفرانس تأیید میکند که ائتلاف دولت روسیه با دولت انگلستان که به انحای مختلف از جا و تمجید و پشتیبانی میشود بیشتر از هر چیز علیه جنبش انقلابی دمکراسی آسیا منوجه است و انگلستان را شریک وحشی گریهای خونین تزاریسم میکند.

کنفرانس هم‌دردی کامل خود را نسبت به مبارزه خلق و بویژه مبارزه حزب سوسیال دمکرات تزاری این قدر قربانی داده است اعلان میدارد.

پس از انقلاب مشروطیت دولت‌های امپریالیستی روسیه و انگلستان علناً در امور ایران دخالت آوردند و تعداد زیادی از اعضا حزب سوسیال دمکرات توسط قزاقان روسی و داخلی از بین ۹۰٪ اعضا «مرکز غیبی» بوسیله قزاقان روسی از میان برداشته شدند. فعالیت سوسیال دمکرات‌ها در حالیکه در خارج ایران و بخصوص در منطقه قفقاز سوسیال دمکرات‌ها بفا حیدر عمو اوغلی پس از شروع جنگ بین‌المللی اول بایران بازگشت (۱۹۱۵) و در نهضت ملی در آن زمان در شرق ایران مبارزه کردند. قفقاز سوسیال دمکرات‌ها در آن زمان در شرق ایران مبارزه کردند. قفقاز سوسیال دمکرات‌ها در آن زمان در شرق ایران مبارزه کردند.

ته میشود. «امروز ایران جوانان واقع است و این دزدان راه

ان غارتگر منظم بین‌المللی را در نظر نگیریم! عجیب، اگر بین‌المللی استمدار نجوئیم از چه

خطرات و ممالک میشود طرفدار است! ... زنده باد استقلال

میون ایران رشد کرده و مسائل بین‌المللی، توجه به طبقه آری و بالاخره طرفداری از اخوت «سوسیال دمکرات‌ها»

را در پراک تشکیل داد.

هد و قطعنامه‌ای درباره بانی شد. ولادیمیر ایلیچ لنین

خفه کردن آزادی خلق ایران نماید.

انب لیرال‌های روس تعریف این ائتلاف دولت لیرال

یران که در مبارزه با زورگویان

ت کرده و خفقان شدیدی بوجود

رفتند مثلاً در تبریز بیش از

دمکرات‌ها در داخل کشور

عالت خود ادامه دارند.

میون مهاجرین زاند امری که

بودند شرکت شمال نمود.

بودند شرکت شمال نمود. در جریان این جنگ‌ها حیدر خان دستگیر شد ولی توانست از زندان فرار کند.

ولی با ورود ارتش بیگانگان با ایران شرایط جدیدی بوجود آمد، هسته های معاوضه در نقاط مختلف ایران علیه سرویس های تزاری و انگلستان تشکیل شد و بار دیگر مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی اوج گرفت و سوسیال دموکراسی ایران سیرز رشد جدیدی کرد.

بطور کلی باید گفت که جنبش سوسیال دموکراسی در ایران از ابتدا (۱۹۰۴ - ۱۹۰۵) تحت تأثیر جنبش سوسیال - دموکراسی روسیه قرار گرفت. ولی شرایط سیاسی اقتصادی و اجتماعی عقب مانده ایران، ضعف کمی پرولتاریا و عدم تشکل و آگاهی سیاسی او باعث شد که این جنبش در ابتدا، بصورت جنبش دموکراتیک ظاهر نماید ولی جنبش سوسیالیستی آن بتدریج طی مبارزات ۱۰ - ۱۵ ساله اثر توانست رشد کند.

این جنبش بطور عمده توسط کارگران ایرانی که در مناطق صنعتی قفقاز کار میکردند، توسط روشنفکرانی که در روسیه تزاری و اروپا تحصیل میکردند و نیز بلوک سوسیال دموکرات های انقلابی روس، در ایران بوجود آمد.

از خصوصیات این جنبش این بود که در جریان انقلاب مشروطیت بوجود آمد و با شرکت در انقلاب رشد کرد و مشخص تر شد. سوسیال دموکراسی ایران در چارچوب یک حزب متشکل تا به آخر فعالیت نکرد. در ابتدا حزب "اجتماعیون عامیون" که در قفقاز تشکیل شده بود و در نقاط مختلف ایران بخصوص در مناطق شمالی فعالیت و سازماندهی میکرد. رهبری جنبش را بعهده داشت ولی شعب مختلف آن، مراسم و اساسنامه واحدی نداشتند. جمعیت های مجاهدین که در تبریز و مشهد و سایر نقاط شمالی فعالیت میکردند، جمعیت های توده ای بودند که برای پیشبرد امر انقلاب مشروطیت یعنی تحت شعارهای دموکراتیک و زیر رهبری سوسیال دموکرات ها بفعالیت مشغول بودند. جنبش سوسیال دموکراسی بتدریج در سه جهت رشد کرد:

۱ - عده ای از سوسیال دموکرات ها که مرکز ثقل آنها بطور عمده در بین کارگران ایرانی در قفقاز بود و با سوسیال - دموکرات های انقلابی روسیه تماس نزدیک داشتند و به جهت گیری سیاسی جنبش اهمیت میدادند. آنها کوشش میکردند انقلاب مشروطیت را عمیق تر کرده عناصر سازشکار را از جنبش دور نمایند. آنها بعد از پایان انقلاب مشروطیت بمبارزه خود علیه دخالت های امپریالیست های انگلیس و روس ادامه دادند. حیدر عمو اوغلی و اسداله غفارزاده از جمله این سوسیال دموکرات ها بودند که بعدها با سرنگون شدن تزاریسم در روسیه در فوریه ۱۹۱۷ حزب عدالت را تشکیل دادند و بدین طریق پایه حزب طبقه کارگر ایران، حزب کمونیست را ریختند.

۲ - گروه های کوچک دیگری از جمله گروه سوسیال دموکرات در تبریز که در سال های ۱۹۰۸ فعالیت میکردند و خود را مارکسیست میدانستند و با پلخانف و لائوتسکی ارتباط داشتند و بعضی از آنها نیز توانستند با حزب سوسیال دموکرات کارگری (بلشویک) روس تماس هائی برقرار کنند ولی فعالیت آنها در مراحل بعدی بچشم نمی خورد. دایره فعالیت آنها محدود بتبریز بود. کسانی نیز در روزنامه "ایران نو" ارگان حزب دموکرات مقالاتی راجع به مارکسیسم مینوشتند که تحت تأثیر سوسیالیست های اروپائی بودند ولی فعالیت سازمانی آنها روشن نیست.

۳ - دسته سوم را کسانی تشکیل میدادند که وابسته به بورژوازی ملی و خرده بورژوازی ایران بودند. فعالین این افراد که در جمعیت های مجاهدان وابسته بحزب "اجتماعیون عامیون" بودند، بعد از انقلاب مشروطیت با سایر عناصر دموکرات در حزب دموکرات ایران که در سال ۱۹۰۹ تأسیس شد بفعالیت پرداختند. خواست های آنها از خواست های دموکراتیک تجاوز نکرد.

بنا بر این دوران ۱۰ - ۱۵ ساله فعالیت های جنبش سوسیال دموکراسی را در ایران باید چنین خلاصه کرد: بسط شعارهای دموکراتیک - مراحل اولی نفوذ سوسیالیسم علمی و بالاخره تلفیق دو جنبش دموکراتیک و سوسیالیستی بسط ایجاد حزب عدالت.

## حزب عدالت

چنانچه دیدیم نفوذ اندیشه های مارکسیستی در بین روشنفکران و زحمتکشان ایران و ایجاد تشکل های سیاسی از اوائل سال های قرن بیستم شروع شد و در جریان مبارزه خلق های ایران برای رهائی ملی رشد و توسعه یافت. اشغال ایران توسط نیروهای امپریالیستی در جنگ اول جهانی، تشدید تضاد خلق، امپریالیسم و مرتجعین داخلی، رشد جنبش های ملی و وجود نداشتن ستار سیاسی واقعا انقلابی که میتواند مبارزات مردم را رهبری کند، شرایطی بودند که تشکیل یک حزب سیاسی انقلابی را که پای در عمل گذارد و توده های مردم را رهبری نماید ضروری می نمود.

در سال ۱۹۱۱ با نشر منشور انقلابی حزب "احتمالیون قاصون" ایران با برپایی از آن حزب، دست به سازماندهایی نوینی زدند و بدین ترتیب حزب عدالت بوجود آمد. در بنیان گذاری حزب عدالت سوسپال دموکرات های انقلابی قدیمی شرکت داشتند، از آن جمله است اسداله غفارزاده اردبیلی یکی از شرکت کنندگان فعال در رد کردن "ایسکرای" لقبی از راه تبریز و اردبیل به باکو.

حزب عدالت کمی بعد از تشکیل قادر شد در بین کارگران ایرانی صنایع نفت باکو تشکیلات بوجود آورد و سمت گیری صحیح انقلابی توانست رشد دهنده جنبش سوسپال دموکراسی انقلابی میهن ما گردد.

حزب عدالت در نقاط مختلفی از جمله تهران، تبریز، رشت، مشهد، انزلی، آستارا، کرگان، قوچان، اردبیل و زنجان دارای تشکیلات بوده و فعالیت میکرد ولی بطور عمده از اوائل تشکیل شدنش تا آزاد شدن آذربایجان (شوروی) فعالیت آن در بین کارگران ایرانی صنایع نفت باکو و در بین مهاجران ایرانی (و کارگران فصلی) در باکو، تفلیس، عشق آباد، تاشکند، قزاقستان و ترکستان متمرکز بود. در بحبوحه انقلاب روسیه دارای ۶۰۰۰ نفر عضو بود. در آوریل ۱۹۱۸ حزب تصمیم به اشغال کسولگری ایران در باکو گرفت و به آن حمله کرد. دو ماه بعد مجدداً به کسولگری حمله کرد و آنرا اشغال نمود و کسول ایران "محمد سعید" را مجبور به ترک آنجا نمود.

عده ای از رهبران حزب عدالت در سال ۱۹۱۸ این افراد بودند: اسداله غفارزاده، جعفرزاده، میر جعفر (پیشه وری)، ۴ برادران آقایی، حسن نیک بین و حیدر عمو اوغلی.

بفاصله چند روز بعد از اشغال کسولگری ایران، حزب کمیته ای به رهبری جعفرزاده برای ملاقات و مذاکره با کوچک خان روانه ایران نمود ولی جعفرزاده رهبر کمیته در سر راه خود به انزلی در آستارا مورد سوء قصد قرار گرفت و شسته شد. پس از کشته شدن جعفرزاده، میر جعفر (پیشه وری) رهبری حزب را بدست گرفت.

"ببیرق عدالت" روزنامه ارگان حزب سمت تبلیغاتی خود را متوجه کارگران و همچنین انقلابیون هدر مشروطیت میگرد. با تجاوز عثمانی ها در سال ۱۹۱۲ قدرت حزب ضعیف شد ولی در اواخر جنگ و تخلیه ترک ها حزب فعالیت خود را با نشر مجله ای بنام "حریت" (دو هفته یکبار) بزبان های آذری و پارسی آغاز نمود. این نشریه اتحاد کارگران، کمک بقرا و اتحاد با کارگران جهان و مخالفت با رژیم سلطنتی، روحانیون و اشراف متنفذ را تبلیغ میکرد.

حزب عدالت در فعالیت انقلابی گیلان شرکت نمود. بطور کلی امیل در مورد انقلاب ایران در کتاب "انگلیس ها در ایران" صفحه ۵۳ می نویسد: "از ۵ هزار سرباز دائمی که در اوج جنبش نیروهای نظامی (ارتش) جنبش را تشکیل میدادند بیش از ۶۰۰ نفر بلشویک های ایران متعلق به حزب انقلابی عدالت بودند". در ۱۹۱۹ حیدر عمو - اوغلی از طرف حزب عدالت و به دعوت لنین در کنگره بین الملل سوم در پتروگراد شرکت نمود و بعداً بعنوان هیئت نمایندگی ایران و هیئت اجراییه کمترین انتخاب شد.

حزب در دوران فعالیت خود کوشش زیادی برای تشکیل ارتش سرخ در ایران نمود. حیدر خان در نطق خود در میتینگ بین الملل کارگران پتروگراد بمناسبت تشکیل بین الملل کمونیستی در این مورد گفت: "... رفقای عزیز ما موفق شدیم تا کون ۱۳۸۰۰ نفر ایرانی را در صفوف ارتش سرخ متشکل کنیم". مدارک دیگری در این مورد وجود دارد که می گوید "۱۵ فوریه ۱۹۲۰ در تاشکند در مسجد ایرانیان میتینگ رنجبران ایرانی برپا گردید. ۲۰۰ نفر از کارگران ایرانی حضور داشتند. میتینگ را نماینده کمیته مرکزی اشتراکون (عدالت) علی خان زاده گشود. سپس رفیق مصطفی صبحی از سیاست استیلاگرانه متفقین در ایران و در تمام شرق بیانات و توضیحاتی داد همچنین رفیق سلطان زاده و فتح اله زاده درباره اقتصاد ایران نطقهایی کردند. در آخر از طرف مجلس قرارنامه صادر و قبول شد بعداً به پیشنهاد یک نفر از رفیقان قرار گذاشته شد برای فرستادن بایران یک اردوی سرخ از ایرانیان تشکیل یابد. در همان مجلس ۲۰۰ نفر یعنی همه حاضرین به اردوی سرخ نام نویسی کردند". (نقل از مجله هفتگی شعله انقلاب چاپ سمرقند بزبان فارسی شماره ۳۵ سال دوم مورخ ۲۱ مارس ۱۹۲۰)

حزب عدالت شالوده حزب کمونیست ایران است

در آوریل ۱۹۲۰ دومین کنفرانس سازمان های حزب عدالت در عشق آباد تشکیل گردید. در این کنفرانس که به همت حیدر عمو اوغلی و حسن نیک بین تشکیل شده بود اثر سازمان های حزب عدالت شرکت داشتند و دستجات متفرق حزب با هم متحد شدند. در این کنفرانس حیدر عمو اوغلی گزارشی درباره اوضاع جاری ایران داد که حساسی توضیح سیاست کشورهای امپریالیستی در خاور بود و به تزه های حیدر عمو اوغلی معروف گشت.

از آحادی که بسیاری از مسائل سازمانی در این کفرانسر حل شده پافای ماند و حزب فاقد برنامه و اساسنامه بود  
کفرانسر تصمیم گرفت کنگره حزب را فراخواند. دستور کار کنگره را بشکل زیر تعیین کرد:

۱ - تعیین خط مشی تاکتیکی حزب در جنبش رهایی بخش ملی ایران

۲ - روشن حزب نسبت به کوچک خان

۳ - تصویب برنامه و اساسنامه حزب

۴ - انتخاب کمیته مرکزی حزب

این کنگره در ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در بندرانزلی ( بندر پهلوی ) تشکیل شد. در این کنگره حزب عدالت نام خود را به  
حزب کمونیست ایران "عدالت" تغییر داد که بهرور به "حزب کمونیست ایران" بدل شد و بجای ارکان های سابق  
حزب عدالت ارکان جدیدی بنام "کمونیست" دایر کردید و بدین وسیله دوره جدیدی از فعالیت کمونیست های  
ایران آغاز کردید.

## حزب کمونیست

مبارزات بورژوازی ملی در گذشته بحوبی نشان داده بود که بورژوازی ملی ایران قادر نیست دو توده را که یکی  
امپریالیسم و دیگری فتودالیسم است از کرده خلو های ستم دیده ایران بر دارد.  
شکست خرد بورژوازی نیز که تحت شعارهای دمکراتیک در انقلاب شرکت کرد، همه حاکی بر آن است که از این تاریخ  
بعهد این دیگر فقط طبقه کارگر ایران توسط حزب پیش آهنگ کمونیستی آنست که میتواند مبارزات انقلابی توده های  
وسیع خلق را بسوی پیروزی نهائی علیه امپریالیسم و فتودالیسم رهنمون گردد.

جنبش انقلابی توده های خلق پایه ای بود که انقلابی های حقیقی را طی زمانی نسبتا طولانی در امان خود پرورش داد  
بود، انقلابیونی که با پیشرفت جنبش و فراز و نشیب های آن آبدیده شده و بتدریج با دست یابی به تئوری انقلابی  
پرولتاریا، تجربیات خود را جمع بندی نموده و بزموز مبارزات گوناگون توده ای واقف گشته بودند. سرانجام نیز پیگیرترین  
فداکارترین و آبدیده ترین این مبارزان انقلابی که بسلاح مارکسیستی - لنینیستی مبارزه مجهز بودند، حزب کمونیست  
ایران را بنیان نهادند.

کنگره سر تا سری حزب عدالت در ۳۰ خرداد ۱۲۹۹ ( ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ ) در بندرانزلی تشکیل شد و در این کنگره  
نام حزب عدالت به حزب کمونیست ایران بدل گردید.

کنگره اول در اوج انقلاب گیلان در بندرانزلی با شرکت ۲۰۰۰ عضو و سمیات بریاست آقازاده تشکیل گردید.

در کنگره بحث مفصلی درباره خط مشی تاکتیکی حزب در گرفت. جناح باصطلاح چپ معتقد بود وظیفه ای که در  
مقابل حزب قرار دارد انقلاب سوسیالیستی است و حال آن که اثریت انقلاب گیلان را جزئی از جنبش رهایی بخش  
مردم ایران در راه بدست آوردن استقلال سیاسی و اقتصادی میدانست و لذا عقیده داشت که مشی حزب بایستی در  
جهت تشکیل جبهه واحد از کلیه نیروهای باشد که در مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس و فتودالیسم زمینفند، بمنظور  
تشکیل این جبهه کنگره شعار مبارزه بر علیه امپریالیسم انگلیس، فتودالیسم، شاه و همدستان آنها را مطرح کرد.

کنگره قطعنامه هائی برای مبارزه بر علیه امپریالیسم ( سرمایه داری جهانی )، همبستگی با شوروی، مخالفت با  
انگلستان و شاه تصویب کرد.

در این کنگره برای جلب مبارزه عمومی خلق در زیر رهبری حزب کمونیست در تمام ایران، سیاست های زیر تحت عنوان  
برنامه حزب بتصویب رسید:

۱ - سرنگون ساختن تسلط امپریالیسم

۲ - مصادره تمام مؤسسات خارجی

۳ - شناختن حق بین الملل در تعیین سرنوشتشان در چارچوب وحدت تمام ملیت ها در درون جمهوری ایران

۴ - ضبط تمام املاک مالکان بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان و سربازان انقلابی

۵ - اتحاد با شوروی و جنبش بین المللی پرولتری

در این کنگره سلطه زاده گداشده جامع بر پایه همدیگر هم میزبان کجک خان منیر را احیاء انقلابی در ممالک  
همکاری خان های مختلف، زمین داران و اربابان فتودال، بر این اساس که بایستی در مبارزه با شاه و انگلستان

تمام ملت باید متحد شوند دارد .

" در کنگره اعلام شد که حزب کمونیست مسلما نمی تواند چنین ناکثیکی را مورد تأیید قرار دهد . زیرا هر انقلابی در کشورهای عقب افتاده کشاورزی که ستم فئودالی را از میان بر ندارد و ملیون ها دهقان را آزاد نشد محکوم بنحسب است ، آزاد کردن دهقانان با کمک اربابان فئودال توهمی است که حزب ناکثیر به مبارزه با آن است ."

کنگره کمیته مرکزی حزب را مرکب از ۱۵ نفر به رهبری سلطان زاده و دبیری کامران آقایی و میرجعفر پیشه وری ( جوادزاد ) انتخاب نمود .

در آخر کنگره پیامی به لنین و نریمان نریمانف فرستاد و هر دو را به عضویت کمیته مرکزی برگزید .

ما در اینجا نکات برجسته " بیاننامه و پیشنهادات حتی الاجرای کمیته ایالتی خراسان فرقه اشتراکیون اکثریون ایران عدالت " را که بتاريخ اول ذی قعدة ۱۳۳۹ ( ۱۹۲۱ ) صادر شده است می آوریم . این سند در حقیقت متعلق به بعد از کنگره اول حزب کمونیست است و می تواند بخوبی منعکس کننده موضع گیری حزب کمونیست باشد .

~~در قسمت اول بیاننامه در تحلیل از اوضاع سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ایران هر دو حزب کمونیست تریا شد .~~

چنین بیان میشود :

فرقه اشتراکیون ایران : مقصد این فرقه مقدس آن است که یک حکومتی تشکیل بشود در ایران از خود فقرا و نایب ایران نه این که از دولتمدان و مفتخوران . این وضع مالیه را در نظر میگیرد می بیند حکومت ظالمة استبدادی در ایران برپاست و در نقاط مختلف مملکت هنوز قوای مسلح اجنبی موجود است و حکومت مستبد شاه را محافظت میکند .

سیاسی

با تکیه با ارزیابی شرایط اجتماعی - اقتصادی - سیاسی ایران و تسلط امپریالیسم انگلستان و حکومت فئودال ها و وابستگی مالی امپریالیسم در ایران و با در نظر گرفتن این تسلط بیاننامه باین نتیجه میرسد که تمام طبقات ( کارگران ، رعایا و زارعین ، کسبه و تجار ، ضورالفکران ) زیر استعمار و ستم شدید امپریالیسم و وابستگی آن شاه و قرار دارند و سپس موفق باین نتیجه گیری صحیح در مورد مرحله انقلاب میگردد :

چنین  
مقصد  
زحمتکش  
سلطنتی  
و محاربه  
خط مشی  
وابستگی  
عمله جار  
مالکین

تشخیص صحیح نیروهای ضد  
میل بدهد که آن حکومت از خود  
نی تمام اراضی زراعتی تقسیم  
مالکین بی انصافی کسه  
معدود، صدها و هزارها رعیت

املاک خالصه و موقوفات را  
و هوا پرستی خود يك ملت را  
و فقرای عالم بهم نزدیک شده

هند بزودی ملتفت میشوند  
است که کلمات زیل با قطرات  
داران خارجه را میشد متفرق  
حفظ نمایند و حملات دشمن

نشان دهنده خط سیاسی

انقلاب . " حکومت متشکله از خوانین و سزماه خارج را باستانه بکند از قلب مجسمه  
رعایای مظلوم خارج کرده تا ملت آزار ایران با اختیار خودش هر قسم حکومتی که بخواهد تشکله  
ملت و تابع رأی و میل ملت باشد .

برنامه ارضی صحیح برای بسیج دهقانان و طرح شعار " زمین مال زارع است " بایست  
شود در میان زارعین زحمتکش بقدریکه هر زارع با خانواده خودش بتواند آن زمین را بکار  
دهد آنها در ایران بیش از سه چهار ملیون نیست ولسی هرکدامشان چندین پارچه املاک منفرقه

منقول و غیر منقول جان دار و بی جان همه را مجاناً تقسیم کرد میان همان رعایای زحمتکش  
نیز که مأمور یا مجتهدین مفتخور در دست گرفته و میخورند بایستی با اختیار ملت واگذار شود  
بر خورد صحیح به مسئله ملی و انترناسیونالیسم  
اختلافات ملی آلت دست حکومت های جهان گیر است که با این آلت همیشه برای منفعت  
با ملت دیگر بجنگ و امید آرند .

و همین مسئله ها باعث آنست که هیچوقت نگذارد يك ملتی با ملت دیگر یعنی زحمتکشانش  
و با یکدیگر اتفاق کند .  
ولی طبیعت صلح را در فقرای کاسبه که تشکیل يك هیئت جامعه و يك خانواده بشری میدهد  
که دشمن آنها نیست و دوست آنها کدام است . . . باید دانست که مدت های مدیدی  
خون سرخ نوشته شده .

فقرای کاسبه و ملل مظلومه شرق متحد شوید !  
زنده باد تشکیلات عالییه متفقه ملت قدیم ایران و ملل مظلومه شرق !!!  
تشکیل ارتش خلق بسیج کردن دهقانان و تمام زحمتکشانش  
" بایستی قشونی که با پول ملت و رسم خوانین جمع شده و امروز محافظت سیاست سرمایه  
کرد و در عوض آنها لازم است عموم زحمتکشانش و زارعین را مسلح کرد تا آزادی که گرفته اند  
را رد کنند " .

همین چند نکته برجسته از بیاننامه حزب کمونیست بلشویک ایران ( کمیته ایالتی خراسان )  
درست آن حزب در دوران حیات اولیه آن میباشد .



دوره اول  
الف -  
ب -  
الف -

از نظر فعالیت سیاسی حزب بایستی بدو مرحله متمایز تقسیم شود :  
دوران شرکت در حکومت گیلان و انقلاب مسلحانه  
دوران فعالیت در راه توسعه و تحکیم سازمان های حزبی و فعالیت علنی  
شرکت حزب کمونیست در حکومت انقلابی گیلان و انقلاب مسلحانه

۱ - مرحله تشکیل حکومت انقلابی بدورن  
مرحله اول ژوئن ۱۹۲۰ تا  
برقراری جمهوری و تشکیل  
حکومت انقلابی گیلان  
قرار داد ننگین ۱۹۱۹ تعیین کرد  
حکومت انقلابی گیلان منتهی به جبهه

۲ - مرحله تشکیل حکومت انقلابی گیلان و انقلاب مسلحانه  
۳ - تشکیل مجدد جبهه واحد و حکومت انقلابی آن .

۱۹ ژوئیه ۱۹۲۰  
شکلی حکومت انقلابی در گیلان واقع ای بود که در سراسر ایران طنین افکند و توجه  
و خواستار برچیدن بساط سلطنت و ایجاد جمهوری شد .  
جبهه واحدی بود که به ابتکار حزب کمونیست تشکیل شد . در مجموع رهبری جبهه در

دست حزب کمونیست نبود. نیروهای تشکیل دهنده جبهه عبارت بودند از حزب کمونیست، نیروهای میرزا کوچک خان جنگلی، احسان اله خان و خالو قربان که آخری در رأس کارگران کتیراکن کرمانشاهی بود. حکومت انقلابی متشکل از پیکسیر و یک شورای جنگی سه نفری بود: پیکسیر عبارت بودند از کمیسر داخله - میرزا شمس الدین، کمیسر خارجه - سید جعفر، کمیسر مالیه - میرزا محمد علی پیر بازاری، عدالت - محمد آقا، پست و تلگراف و تلفن - نصراله، فرهنگ - حاجی محمد جعفر، رفاه عامیه - میرزا محمد علی خمایی، تجارت - میرزا ابوالقاسم فخرائی.

"شورای جنگ" از میرزا کوچک خان - صدر، احسان اله خان - فرمانده ارتش و جواد زاده تشکیل میشد. قدرت واقعی دولتی را یک کمیته ۹ نفری از جمله کوچک خان، احسان اله خان، جواد زاده و ابراهیموف، صاحب بودند.

عمر جبهه واحد و در نتیجه این ترکیب حکومت انقلابی دیری نپائید. سیاست های نادرست نیروهای متحد در جبهه آنچنان تزلزلی در اساس آن بوجود آورد که جبهه واحد بهم خورد. بسط و توسعه نیروهای کمونیستی، انتشار روزنامه "کامونیست" در رشت به مدیریت میر جعفر جواد زاده (پیشه‌وری)، پیروی حزب کمونیست از سیاست "چپ" - روانه سلطان زاده دبیر اول حزب، عملیات آنارشستی احسان اله خان و پیروانش از یسوی و تزلزل و عدم قاطعیت میرزا کوچک خان و بطور کلی نمایندگان بورژوازی ملی و خرده بورژوازی بویژه نمایندگان قشرهای دینی از سوی دیگر از جمله هلاک بهم خوردن جبهه واحد بودند.

سری بود - از تحسین جیبی ... از هر چیز نمایندگی می‌آید ... بورژوازی ... در زمان و قاسم

همر مستقیم بدوش ...  
بغیر از اختلاف بر سر مسئله مصادره و تقسیم زمین کوچک خان و دیگر سران انقلاب گیلان وجود داشته وجود داشت. در هفته اول عمر خود رژیم ۲۱ ماه حجاب اجباری زنان را داد. روحانیون که با این نامه های کوچک خان پس از استعفای او به احسان کوچک خان چنین مینویسد:

"من همیشه عقیده داشته‌ام و هنوز هم دارم که اصادقانه و نجیب مردم و احترام بعقاید و عادات و عادات ملی اهالی مشرق زمین و خاصه ایرانی ها تصیرونند. لویه نهضت ها یا برای دفع دشمن است عقیده ملاطفت آن هم برور زمان - بعد از بررسی تردید دارید که روش متخذه از طرف اینجانب موا از سوی دیگر عده ای از کمونیست ها بخصوص جنا که انقلاب گیلان انقلاب پرولتری است و حکومت را و بورژوازی میگردند و با سیاست چپ روانه خود با وجودی که این تزد در کنگره اول حزب رد شده کنگره عمل میگردند و مانع کوشش حزب برای همکاری نفوذ این عقاید در سیستم حکومت انقلاب و عملا همکارانشان باعث تقویت جنبه سازشکارانه کوچک زد و با سردار فاخر حکمت که حامل پیامی از جانب اقدامات مورد مخالفت شدید احسان اله خان و استعفا کرد و به جنگل بازگشت و بدین ترتیب مرحله

و املاک و مستغلات مالکین بین دهقانان و سربازان انقلابی که بیسن ت، اختلاف دیگری هم بر سر روش دولت جدید نسبت به مذهب سجد را بست و اجرای مراسم مذهبی را قدغن کرد و فرمان کشف روش مخالف بودند در ملاعام مسخره میشدند. بطوری که از یکی از اله خان بر می آید این مسئله یکی از اختلافات مهم بوده است. افکار عامه هر نهضت ملی را پیشرفت میدهد نه آهن و آتش - تبلیغات ملی و مملکتی مؤثر تر از صدها هزار قشون و آلات قاریه است. عقاید که همیشه مذهبی اند زیر بار هیچگونه مرام افراطی و خشن و تندت یا برای رسوخ عقیده - دفع دشمن جنگجویی لازم دارد و رسوخ وقایع گذشته و مطالعه آنچه را که دیوانی نوشته شده، آیا باز هم افق مصالح انقلاب بود؟"

ح رهبری حزب کمونیست (سلطان زاده - آقاییوف ...) معتقد بودند تشویق به یک سلسله اقدامات شدید علیه خرده مالکان (مالکان متوسط) این طبقات را که متفقین آنروزی جنبش بودند از آن دور میساختند. بود این گروه که در رهبری حزب قرار گرفته بود عملا خلاف مصوبات ی و بهبود مناسبات با کوچک خان بودند.

متمرکز شدن تمام قدرت در دست احسان اله خان - جواد زاده و خان گردید و در خفا دست با اقداماتی برای سازش با دولت مرکزی نب مشیرالدوله (نخست وزیر وقت) بود ملاقات کرد و چون این دیگر سران انقلابی گردید در ۱۹ ژوئیه ۱۹۲۰ از صدر حکومت گیلان له اول جبهه متحد انقلابی و حکومت انقلابی حاصل، از هم پاشید.

مرحله دوم - اواخر زوئیه ۱۹۲۰ تا اواسط ائسره ۱۹۲۰

با استعفای کوچک خان حبهه واحد بین حزب کمونیست - جنگل از هم پاشیدند . با نوشتن کمونیست ها کمیته جدیدی بنام " کمیته نجات ملی ایران " بر رهبری احسان اله خان تشکیل شد . اعضا این کمیته را بیشتر از هوا داران سلیمان زاده تشکیل میدادند . در این کمیته میرجعفر جواد زاده ( پیشه وری ) و کامران آقازاده شرکت داشتند . در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰ حکومت جدید کیلان زیر رهبری احسان اله خان تشکیل گردید . بجای کمیسرهای سابق ۷ کمیسر جدید از بین کمونیست ها و گروه کوچکی از جنگلی ها بریاست خالوقربان جایگزین آن گردید . هیئت دولت انقلابی بقرار زیر بودند : احسان اله خان - سرکمیسر و کمیسر خارجه - خالوقربان کمیسر جنسک - سید جعفر ( محسنی ) کمیسر پست و تلگراف - جواد زاده ( پیشه وری ) کمیسر کشور - آقا زاده کمیسر دادگستری - آقا زاده .

انقلاب کیلان و کمیته انقلابی آن در اثر ادامه چپ روی رهبری حزب کمونیست از یک طرف و چپیت از طرف دیگر با شکست مواجه گردید . علت عمده شکست این مرحله از جنبش را باید در اتخاذ سیاست اپورتونیستی " چپ " رهبری سلطان زاده دانست . این سیاست درک صحیحی از مرحله انقلاب نداشت و مرحله انقلاب را از مرحله انقلاب سوسیالیستی که مرحله بعدی انقلاب را تشکیل میداد ، تمیز نداد و در نتیجه نتوانست راه را بطور صحیح بکشد و بر اساس آن سیاست ها و تاکتیک های خود را پایه ریزد .

مرحله سوم - از ۶ مه ۱۹۲۱ تا شکست انقلاب کیلان

مهمترین وقایع سیاسی در تاریخ حیات حزب در این دوران تشکیل پلنوم کمیته مرکزی حزب در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ بود . در نتیجه اعتراضات توده حزب از یک طرف و شکست جنبش کیلان از طرف دیگر چند ماه بعد از ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست تشکیل شد . در نتایج این پلنوم در ترکیب ایران تغییرات اساسی داده شد و حیدر خان عمواوغلی بسمت دبیر کل و صدر کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید علاوه بر حیدر خان اشخاص جدیدی مانند حسن نیک بین و محمد آخوند زاده شیرازی و محمد میشوند . از ترکیب کمیته مرکزی منتخب کنکره اول جواد زاده ( پیشه وری ) و چند نفر دیگر باقی ماندند و آفایف ها و چند نفر دیگر از کمیته مرکزی اخراج میگرددند . حیدر خان بمنظور روشن کردن سیاست و روش حزب در مرحله آتروزی انقلاب کیلان تزهائی به پلنوم نمود و از تصویب آن گذراند . در این تزها تصریح شده بود که تاکتیک حزب در مرحله فعلی عبارتست از : طبقات از پرولتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط برای مبارزه علیه سلطنت قاجاریه و امپریالیسم درائت چپ و رهبران جنبش رهائی بخش ملی . در تزهای حیدر ضرورت انقلاب و رفرم فلاحتی مبنی بر تزرک بین زارعین مقدم شمرده میشود .

پ روی احسان اله خان حزب کمونیست بسروردگی دراتیک ملی را بدرستی وانست مرز میان دوست و دشمن را بدست آورد .



با تشکیل پلنوم کمیته مرکزی و تغییر در رهبری حزب کمونیست و انتخاب حیدر خان عمو اوغلی بعنوان صدر کمیته مرکزی حزب ، انقلاب گیلان وارد مرحله سوم خود میگردد .  
لوشن جدی رهبری حزب و شخص حیدر خان برای احیاء مجدد جبهه واحد منجر به نتیجه شد و در تاریخ ۶ مه ۱۹۲۱ موافقت نامه ای بین سران انقلابی گیلان با امضا رسید . خلاصه آنرا در زیر میآوریم :

انشعاب و اختلاف بین قوای انقلاب ایران موجب اندوه عمیق تمام فعالین انقلاب ایران و نیز باعث صدمه سخت مردم ستمدیده ایران باستان است . اوضاع سیاسی و اقتصادی زمان بما حتم میکند که مجدداً قوای خود را متحد کنیم ، برای مبارزه با دشمنان بشریت و جنگ علیه حکومت اشتراک مساعی نغاثیم تا پرچم انقلاب را در پایتخت ایران باهتزاز در آوریم . بدین جهت در ۱۸ ثور مطابق ۶ مه ۱۹۲۱ با در نظر گرفتن منافع انقلاب جهانی موافقت نامه برادرانه و صمیمانه زیر در تحت مواد زیر منعقد نمودیم .

۱- ایجاد کمیته ای بنام " کمیته انقلاب ایران " مرکب از ۵ نفر زیر :

- ۱- میرزا کوچک خان ۲- حیدر خان عمو اوغلی ۳- احسان اله خان ۴- خالوقربان ۵- محمدی
- ۲- اولین وظیفه تمام انقلابیون عبارت است از تشکیل قوای مسلح و تقویت موضع انقلاب و اتحاد اقداماتی که ایالت گیلان بدست ارتش حکومت شاه نیافتد و گیلان پایه گاهی برای مبارزات تعرضی گردد .
- ۳- استقرار و توسعه مناسبات دوستانه با حکومت های شوروی روسیه و آذربایجان و گرجستان .
- ۴- انقلاب ایران برای آزادی ملک شرق از ظلم و ستم امپریالیست بملک مادی حکومت های روسیه و آذربایجان و گرجستان نیازمند است .

۵- بهیچوجه بهیچ دولت خارجی حق دخالت در امور داخلی ، سیاسی و انقلاب ایران داده نخواهد شد .  
بر اساس این موافقت نامه بار دیگر جبهه متحد انقلابی تشکیل میگردد و در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۲۰ نیروهای انقلابی در نتیجه تعرض موفقیت آمیز مجدداً رشت را تصرف کردند و بالاخره در ۴ اوت ۱۹۲۱ بار دیگر جمهوری انقلابی گیلان اعلام گردید .

پایه این وحدت هم دیری نپایید . کوچک خان حاضر نشد بر پشت بیاید و در فومن باقی ماند . احسان اله خان دست

کامیابی های " کمیته انقلابی " شد و زمینه مساعدی برای خرابی کوچک خان را به این نیت که وا دارند .

چنانچه در هر مرحله مختلف جنگ چندین بار بظهور رسید خیانت بانقلاب را هنگامی که در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱ نوبتی کمیته به " پسیخان " آتش زده شد . سرخوشر همدا

و ارتش انقلابی که بدون دخالت کوچک خان بدست آمده بود موجب نگرانی رهبری جنگ بزاری از داخل نهضت بدست قوام السلطنه و اربابان انگلیسی او داد و موفق شدند حیدر خان و کمونیست ها قصد نابودی او را دارند فریب داده و او را به خیانت بانقلاب

انقلاب گیلان دیدیم تزلزل و دوگانگی بورژوازی در جریان انقلاب گیلان در وجود رهبری . اهنون تجربه این انقلاب خاصیت دیگر آنها نیز آشکارا نشان داد . رهبری جنگ احتمال کامیابی برای کمونیست ها میرفت بر مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم ترجیح داد . کمیته انقلابی با نقشه قبلی از طرف کوچک خان و سران جنگ ظاهراً برای تشکیل جلسه دعوت شد . خانه ای که نمایندگان کمیته در آن جمع بودند ( در ملاسرا ) بدستور کوچک خان ر خالوقربان در آتش سوخت . خالوقربان موفق بفرار شد و حیدر خان که در حین فرار

رحمی شده بود بدست افراد مسلح کوچک خان بتل رسید .

بدین ترتیب رهبر حزب کمونیست ایران ، حیدر خان یک انقلابی بزرگ که پیش از ۲۰ سال از عمر کوتاه خود را در راه رهایی ملت ایران و آزادی زحمتکشانش گذاشته بود ، در راه خلق جان خود را فدا کرد . او چنانچه سراسر تاریخ زندگانش نشان میدهد ، "چکیده" انقلاب بود . حیدر خان بلشویکی تمام عیار بود بدشمنان خلق نفرتی بی پایان داشت و به توده ها عشقی عمیق میورزید . سراسر زندگانی او مبارزه است و مبارزه و باز هم مبارزه ای خستگی ناپذیر . او انقلاب قهرآمیز را تنها راه رهایی ستمکشان میدانست و خود از جمله رهبرانی بود که در زیر و بم فن قهر انقلابی و اصول نظامی کار آزموده بود . حیدر خان آتشی بود که بهر کجا میرسید اطراف خود را میسوزاند و با سبک تهور داشتن در نبرد توده های انقلابی را برای مبارزه مسلحانه بسیج میکرد . حیدر خان عمیقاً از اعتماد توده ها برخوردار بود . ستارخان این اعتماد را با کلامی فشرده چنین بیان داشته است : " آنچه حیدر خان بگوید همان است . "

کوچک خان برشت حمله کرد ولی در مقابل نیروهای خالو قربان مجبور به عقب نشینی گردید . نیروهای دولتی با استفاده از این وضع تعرض خود را آغاز کردند و اکنون دیگر به پیشنهاد کوچک خان برای مذاکره و صلح جواب رد دادند ، در عوض خالو قربان که او نیز وارد مذاکره شده بود مورد ملامت رضا خان قرار گرفت و با درجه "سرهنگی" بارش ایران پذیرفته شد و بعداً به آذربایجان به جنگ "سمنکو" اعزام گشت که همانجا کشته شد . کوچک خان در نوامبر ۱۹۲۱ در حین عقب نشینی در توده های طالبان از سرما جان سپرد و سر بریده اش را بهرگز بردند و بدین ترتیب بزرگترین جنبش انقلابی مردم ایران در مناطق گیلان در اثر خطاهایی که ذکر شد شکست خورد .

چرا انقلاب گیلان نتوانست گسترش یابد؟ علت اصلی را باید در مسئله "دهقانان یافت" نفوذ حزب کمونیست در میان دهقانان ضعیف بود و بموقع قادر نشد نیروی عظیم دهقانی را به جنگ انقلابی کشاند . با نداشتن دهقانان، حزب کمونیست در جنبه "واحد باندازه" کافی قوی نبود و در نتیجه جنبه "واحد تحت رهبری عناصر وابسته به بورژوازی ملی و خرده بورژوازی" قرار گرفت . رهبری حزب کمونیست در مشی سیاسی خود نسبت به بورژوازی ملی و خرده بورژوازی در مرحله اول و دوم حکومت انقلابی گیلان نیز دچار چپ روی شد و بدین ترتیب شرائط را برای تقویت جنبه سازشکاری بورژوازی بوجود آورد . سازشکاری ، تنزل و منافق بودن عناصر بورژوائی و خرده بورژوائی به جنبش انقلابی گیلان صدمات جدی وارد آورد . ولی انقلاب گیلان با این که پیروزی نرسید دارای اهمیت بزرگی در تاریخ و در جنبش های انقلابی بویژه در مبارزه "طبقه" کارگر ایران است . برای اولین بار طبقه کارگر ایران توسط حزب خود قادر شد با ایجاد ارتش کارگران - دهقانان از طریق مبارزه مسلحانه و در جنبه ای واحد با طبقات و اقشار انقلابی دیگر قدرت سیاسی را در منطقه ای از ایران بکف آورد .

توجه به مسئله "دهقانان و مهمتر از همه تشکیل "شورای دهقانان" تحت رهبری حزب کمونیست در منطقه "گیلان یک گام بزرگ در راه یافتن راه انقلاب ایران و تلفیق خلاق مارکسیسم - لنینیسم بشرائط مشخص یک شورنیمه مستعمره نیمه فئودال بود .

ب- دوران فعالیت در راه توسعه و تحکیم سازمان های حزبی و فعالیت علنی  
پس از شکست اول حزب کمونیست موفق شد بر اساس تصمیم شکره و اعزام عده ای با ایالت های مختلف فعالیت تشکیلاتی خود را توسعه دهد . پس از پلنوم تاریخی کمیته مرکزی حزب کمونیست در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۲۰ و تغییر در شکل کمیته مرکزی توجه حزب پیش از پیش به توسعه سازمان های حزبی معطوف گردید .  
در مارس ۱۹۲۱ کمیته مرکزی حزب قطع نامه ای خطاب به تمام کمیته های خود در سرتاسر شور منی بر اهمیت گسترش توده ای ( کار ریشه ای ) و تشکیل فوری حوزه های کمونیستی و گسترش فعالیت های حزب صادر نمود . در ایالت وظیفه حوزه ها تربیت افراد با دیدی طولانی برای سرنگونی حکومت و آمادگی برای قیام مسلحانه معین شده بود . بدنبال این قطعنامه کمیته های انقلابی در تبریز و نقاط دیگر آذربایجان تشکیل شدند . در دوران انقلاب گیلان علاوه بر تشکیلات مختلفی که حزب در گیلان سپر در تبریز بوجود آورده بود در تهران و خراسان نیز فعالیت مخفی حزب وجود داشت . در دوران انقلاب گیلان بخصوص در مرحله سوم آن حزب موفق بتشکیل اتحادیه های کارگری ، ارتش مسلح در گیلان گردید و همچنین در ژوئیه ۱۹۲۱ موفق شد "شورای دهقانان جنگ" را بعنوان اتحادیه "دهقانی دولت انقلابی گیلان" بر رهبری حیدر خان تشکیل دهد و صفوف ارتش انقلابی را استحکام بیشتری بخشد .  
" مطابق گزارشی که سلطان زاده در پائیز ۱۹۲۱ ضمن بررسی کارهای حزب داده ، در آن وقت حزب دارای چهار

اختلاف در رهبری بخصوص در اواخر مرحله سوم انقلاب کیلان زده شده است . اما در همین گزارش تعداد اعضا اتحادیه های کارگری وابسته بحزب در حدود ۴۰۰۰ تخمین زده شده است .

بعد از شکست انقلاب کیلان حزب کمونیست شروع سازماندهی مخفی کرد و توجه خود را سازماندهی در شهرها زیاد نمود و کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بتهران انتقال یافت . در این دوره حوزه های کمونیستی در تهران رونق گرفت .

اتحادیه کفاشان ، خیابانها ، نساچ ها ، تلگرافی ها ، کارمندان پست ، قارها ، مستخدمین ، معلمین و غیره در این ایام در حدود ۸۰۰۰ کارگر در اتحادیه ها عضویت داشتند و فعالیت این اتحادیه ها تقریباً علنی بود . در سال های ۱۹۲۱ - ۱۹۲۲ اعتصابات کوناگونی در ایران از آن جمله در تهران رخ داد . اعتصابات کارگران خیابان مستخدمین پست ، اتحادیه معلمین ، نساچان و مطابع تهران معروف است . اعتصاب کارگران مطابع دولت را مجبور کرد که بیست روزنامه مرقی را از توقیف درآورد . در سال ۱۹۲۲ سی هزار کارگر در اتحادیه های صنغی مشکمل مبارزه سیاسی و اقتصادی مشغول بودند .

پس از شکست انقلاب کیلان در تهران از شهرت آن در سراسر کشور سیاحتی گسترش یافت .

بعد از شکست انقلاب کیلان تشکیلات این دو شهر متلاشی شد . در دیگری زندانی و بتهران منتقل گردیدند . نامدتی تشکیلات محمد آخوند زاده عضو کمیته مرکزی با مأموریت حزبی وارد کیلان شد و در آنجا کمیته مرکزی را در رست گسیل و کیلان سیاحتی گسترش یافت .

در انتخابات مجلس گاندید خود کردند . فرمانده تیب کیلان کارگران فعال اعضا حزب کمونیست ( از قبیل داداش تقی زاده لیدر تشکیلات انتقال داد . خود آخوند زاده تحت الحفظ بتهران فرستاده میشود .

که هر روز قدرت بیشتری را در دست خود قبضه میکرد) برای جلب نظر اسی تشکیلاتی برای کار حزب بوجود آورد که تا اولین سرلوب حزب از چند طریق زیر گسترش داد .

علنی ( فرهنگی ، علمی ، هنری ) بخصوص برای تربیت هر چه بیشتر کار در بین جناح های سمپاتی آن زمان

در بریت سید محمد دهکان انتشار خود را آغاز کرد . در هیئت تحریریه زاده شرکت داشتند .

روزنامه ارکان اتحادیه های وابسته بحزب کمونیست بود . این روزنامه سوادت و طرح مبرم ترین مسائل عمومی مردم و سبک خاص خود که تا آن یکی از شیرا لا انتشار ترین روزنامه های مرلز شد و پس از مدت کوتاهی ارتجاعی و خود رضا خان کردید و آنرا توقیف کردند . توقیف روزنامه

ب زد . ولی فترت طولانی نشد پس از مدت کوتاهی روزنامه " نار " بوقع روزنامه " پیمان " نیز صفحات روزنامه خود را در اختیار فعالین روزنامه ای یر تیراژ شد . در عین حال حزب دست بانشار هفتکی - م " چاپ میشد . انتشار این هفته نامه که داشت شکر ارکان تشوریک بد ک مدتی تعطیل شد و حزب شروع بانشار مجله او بنام " حره " نمود .

این محله در جمعیت ارکان شوریه حزب بود و مسائل اقتصادی، سیاسی و تئوریک در آن مطرح میگردید ولی این محله هم بیشتر اردو شماره انتشار یافت. علاوه بر روزنامه های فوق در مرکز، حزب موفق شد در ایالات دیگر نیز جرائدی را در اختیار خود در آورد. مهمترین این جرائد روزنامه "پیک" رشت بود. از روزنامه های دیگر وابسته بحزب روزنامه "نصیحت" قزوین بعد پیریت میرزا یحیی واعظ کیوانی بود که به مناسبت مقالات پر شور انقلابی خود معروفیت آن از کسادر محلی انتشارش وسیع تر بود.

## ۲ - فعالیت در سازمان های توده ای

برای بردن افکار انقلابی مارکسیستی میان طبقه کارگر و دیگر زحمتشان شهر و ده نشر مطبوعات حزبی کافی نبود. حزب در این مرحله بنا بر روی روشنفکر مسلح به مارکسیسم - لنینیسم احتیاج داشت و کار در سازمان های توده ای علمی و حتی ایجاد بعضی از آنها مانند گروه های فرهنگی، هنری، سازمان های زنان و غیره در برنامه کار حزب قرار گرفت. مهمترین این جمعیت ها عبارت بودند از "جمعیت فرهنگ رشت"، "انجمن پرورش قزوین" و جمعیت دیگری در بندر پهلوی. این جمعیت ها بوسیله دادن نمایش ها، ایجاد کلاس های ادب و مبارزه با بیسواری، کمک مادی به مدارس ملی، اعزام افراد به دعوت برای تدریس و کار در میان دهقانان و غیره با قشرهای نسبتا وسیع مردم مربوط بودند و حزب از طریق شرکت غیر مستقیم در آنها و جهت دادن بآنها قادر بود با توده های مردم پیوند برقرار نماید.

در این مرحله زنان نیز نقش ارزنده ای داشتند. جمعیت های مترقی زنان در نقاط مختلف بوجود آمد. دو جمعیت مهم آن دوره که نقش ارزنده ای در بیداری زنان ایران بازی کردند عبارت بودند از "جمعیت پیک سعادت نسوان در رشت" و "جمعیت بیداری زنان در تهران". در هر دوی آنها بخصوص در جمعیت "بیداری زنان" حزب رهبر غیر مستقیم داشت و بکار آنها جهت میداد. از این طریق حزب قادر شد عده ای از روشنفکران را بخود جلب کند.

## ۳ - کار در بین جمعیت های سیاسی آن زمان

یک کار دیگر مهم حزب در این دوره فعالیت در بین احزاب و جمعیت های سیاسی آن زمان بود. برای نمونه حزب کمونیست در درون حزب "اجتماعیون" دارای فراکسیون متشکل بود و در کارهای سازمانی و اتخاذ روش آن حزب تاثیر بسزایی داشت.

از این طریق حزب توانست سازمان های حزبی در گیلان، تهران، آذربایجان، خراسان، اصفهان، قزوین، و درمانشاه بوجود آورد. اتحادیه های کارگری در این دوره بکمک حزب توسعه یافت و اتحادیه های ایران به عضویت اتحادیه های مترقی بین المللی پذیرفته شدند.

حزب موفق بتشکیل سازمان جوانان گردید و این سازمان بعدا عضو "بین الملل جوانان کمونیست" شد.

پیشرفت روز افزون حزب کمونیست رضا خان را که در صدر شالوده ریزی حکومت دیکتاتوری خود بود بوحشت انداخت و بمجرد این که وضعش مستقر شد، کمونیست ها را هدف حمله خود قرار داد. اولین یورش پلیس رضا خان بسازمان های حزب بود از تاجگذاری او در آذر ۱۳۰۴ شروع گردید. قبل از انقراض سلسله قاجار روزنامه وابسته بحزب "نصیحت" توقیف شد و پدرش واعظ کیوانی بتهران احضار شد و شب نهم آبان (انقراض سلطنت قاجار) جلوس و بجلس بقتل رسید.

از این تاریخ حزب زیر فشار دائمی پلیس رضا خان قرار گرفت و کمونیست ها تحت تعقیب مداوم پلیس بودند. از همان آغاز مسئله ارزیابی از رضا خان در داخل حزب مورد بحث بود. از نظر اکثریت بزرگی رضا خان بعنوان نماینده بورژوازی ملی تلقی گردید. در نظر این اکثریت رضا خان کسی بود که دست سید ضیاالدین - عامل امپریالیسم انگلیس را کوتاه کرده، اقداماتی برای تقویت حکومت مرکزی بعمل آورده، راه را برای فعالیت نیروهای مترقی و حتی حزب کمونیست مسدود نساخته بود. سیاست آن روزی حزب در قبال رضا خان عبارت بود از تقویت توأم با انتقاد روزنامه "حقیقت" در کشمکش بین رضا خان و مجلس، طرف رضا خان را گرفت.

ولی عطیات بعدی رضا خان بخصوص پس از مسلط شدنش بر اوضاع، طوری بود که در مقابل حملات بی دربی کوچکتر و راهی هم برای استفاده نیروهای مترقی باقی نمیگذاشت. وجود نداشتن نظر واحد در خط منشی عمومی حزب موجب آشفتگی فکری شد و بدنبال آن آشفتگی سازمانی نیز آغاز گردید. در رهبری دوگانگی بوجود آمد و هیئت سه نفری که برای اداره امور سازمانی بوجود آمده بود، از طرف عده ای بوسمیت شناخته نشد و مجموعه این اوضاع منجر بتشکیل

شکره' دوم حزب کمونیست ایران گردید . و مرحله' اول فعالیت حزب سائیان رسد .  
حماسه‌ی فعالیت های حزب پس از دوران انقلاب کیلان نشان میدهد که حزب سمت مبارزه و فعالیت انجمنی را نشه  
باید بسی دهقانان و انحام انقلاب ارض باشد و در دوره' انقلاب کیلان کام هار عطی در جهت آن برداشته بود ،  
از دست میدهد ، رهبری دچار اپورتونسم راست میشود ، فعالیت مسلحانه را شار مگذار و مبارزات شهری و  
صالحات آمیز کشیده میشود .

با این که با استفاده از امکانات موجود حزب قادر میشود سازمان های خود را در شهرها توسعه دهد ولی در اونس  
لحظه' تغییر اوضاع و نامساعد شدن وضع در مقابل ضد انقلاب مسلح ، بی سلاح مانده انتظار عمر را از دست داده و ربر  
ضریات ارتجاع لطعات زیادی میبند .

### شکره' دوم حزب کمونیست ایران ۱۹۲۷ ( ۱۳۰۶ )

با تشکیل شکره' دوم حزب کمونیست ایران ( شکره' ارومیه ) دوره' دوم فعالیت حزب آغاز میگردد . در منظور  
بالا با احتصار بشرائطی که منجر بتشکیل این شکره گردید اشاره کردیم ، در زیر نوشتن منقسم آنها را شتر شلامیم و سپس  
بازرسی دو سند مهم شکره می پردازیم .

مسئله' اساسی شکره تعیین موضع حزب نسبت برنما حان بود . مهمترین تعبیر اساسی بین اولین تا دومین شکره' حزب  
که تشتت فکری در رهبری و غالب شدن خط منشی تا صحیح جناح راست رهبری را معنی کرده بود ، عدم درک تغییرات  
ژرفی بود که در اوضاع بین العلی و تناسب نیرو در صحنه' جهانی بعلت بوجود آمدن و مستقر شدن جمهوری شوراهها  
در روسیه بوجود آمده بود .

پیروزی های قطعی انقلاب کبیر اکبر و حکومت حوان شوروی بر رهبری لنین و استالین سیعی جهانی را در کون کرد و مواره  
قوا را در صحنه' جهانی بهم زد . سیاست امپریالیسم انگلستان هم تغییر کرد ، عده ای از رهبران حزب در ارزیابی از  
سیاست انگلستان و در نتیجه موضع گیری نسبت به رضا خان دچار اشتباه شده و بانحراف راست کشیده شدند . تا آن  
موقع سیاست سنتی امپریالیسم انگلیس در ایران و اغلب کشورهای مستعمره - نیمه مستعمره جلوگیری از تمرکز نیرو و قدرت  
در دست دولت مرکزی بود . تضعیف این حکومت و تهدید آن از طریق مسلح ساختن ایلات و شوراندن آنها در موقع  
لازم ، ایجاد نفاق بین خود ایلات و غیره وسائل بود که امپریالیسم انگلیس با استفاده از آنها کنترل خود را بدولت  
مرکزی تحمیل میکرد .

انقلاب کبیر اکبر موجب تغییرات بنیادی در این سیاست سنتی گردید . امید امپریالیست ها پیروزی ضد انقلاب در  
داخل روسیه با شکست مواجه گردید . لشکر کشی و حمله' چهارده دولت سرمایه داری بر علیه جمهوری حوان شوروی  
بنتیجه نرسید . ارتش های خارجی در برخورد با ارتش سرخ از جنگ سرباز میزدند . امپریالیست ها بدین نتیجه  
رسیدند که برای مبارزه با نخستین کشور سوسیالیستی جهان بنقشه ای طولانی و همه جانبه احتیاج دارند . نقشه محاصر  
اقتصادی و سیاسی حکومت نوین از یک طرف و محاصره' نظامی آن از طرف دیگر در دستور کار قرار گرفت .

محاصره' امپریالیستی کشور شوراهها ، حکومت های مرکزی نیرومندی را دورتا دور شوروی ایجاد میکرد . ایران یکی از این  
مبارزه و خنجره' مهم آن بود . البته سیاست سابق و بیانی مانس ایران بنقشه' دستور از هم استخسه  
کشمنتر های داخلی بود نمی توانست آنچنان حلقه' محکمی باشد که بتواند در این زنجیر محاصره'  
نقتر خود را بحوی ایفا' کند و منظور امپریالیسم انگلستان را بر آورده حابد . حکومت مرکزی نیرومندی  
در سر سیرده' انگلیس و دشمن شوروی باشد .

سیاسی ایران از کودتای سوم حوت ، احراج سید عیا' الدین تا بتخت نشستن رضا حان میبایستی از  
ع نوین و تغییر تناسب نیرو در صحنه' جهانی مورد ارزیابی و مطالعه قرار گیرد و حال آن که ساری تحلیل  
نیروهای مترقی و از جمله رهبری حزب عماد سیاست سنتی سابق انگلیس بود .

سید عیا' الدین و نوشتن های او از جمله نزدیکی با شوروی ، دستگیری عده ای از انشرا و اعیان وابسته بسه  
پس مقداری برای فریب توده ها و پروراندن سید ضیا' بعنوان عامل احرای تا مرثی سیاست جدید

در این زمینه سید ضیا' بنقشه' محاصره' اقتصادی و سیاسی کشور شوراهها و در جهت تضعیف آن اقدام کرد .

سیاست در دست آوردن تمام رهنه از او و عوام فریبی ها، که از احراج سید ضیاء الدین تا ناکنداری رضا خان  
شد مراحلی برای فریب نیروهای مشرق و جلب اعتماد مردم بر رضا خان بود.  
یکی از این صحنه سازی ها " لشکر کشی " رضا خان بخوزستان و نابودی " شیخ خزعل " بود. بطور مثال روزنامه " حقیقت "  
هنکام بازگشت رضا خان به قزvine " من رضا و تورضا و ملت ایران رضا " از او استقبال کرد.

بدین طریق سیاست ناصحیح نصیت رضا خان در خرب ریشه عمیق رواند و با بقدرت رسیدن رضا خان و پیر رفتن  
پرده ها، حزب دچار تشتت فکری و تفرقه سازمانی گردید و مجموعه این حوادث منجر بتشدید لشکره دوم حزب  
کونیت ایران گردید.  
مجله " ستاره سحر " ( در شماره ۴۰۳ خرداد - تیر ۱۳۰۸ - ژوئن ژوئیه ۱۹۲۹ ) در مورد هدف لشکره دوم مینویسد  
" عده ای از رفقا چه در ایران و چه در خارجه دچار اشتباهات شده و عقیده داشتند رضا خان بر علیه امپریالیسم انگلیس  
مبارزه کرده است. ولی حقایق مسئله ای که در عرض چند سال جمع شده بود علنا مخالف این تصورات بود که موضوع  
مهم لشکره دوم مسئله راجع به چگونگی رسیدن رضا خان بحکومت و عملیات سیاسی او بود."  
لشکره دوم حزب کونیت ایران موفق بنحلیل صحیح اوضاع جهان و ایران شد. خطوط اصلی سیاست انگلستان را در  
ایران روشن ساخت و خط مشی اساسی خود را تعیین نمود. مهمترین سند های مصوبه این لشکره تزهای لشکره تحت  
عنوان " مطالعات راجع باوضاع بین المللی ایران " و " پروگرام عملیات حزب کونیت ایران " است و ما بارزیابی  
آنها می پسردازیم.

### ارزیابی تزهای لشکره دوم حزب کونیت ایران

ارزیابی تزهای لشکره دوم حزب کونیت ایران  
اجتماعی حکومت رضا خان و تعلق طبقاتی آن بود. لشکره بر اساس تحلیل اوضاع سیاسی، اجتماعی و طبقاتی ایران  
بررسی اوضاع جهانی از یک نظرگاه مارکسیستی توانست باین مسئله جواب صحیح بدهد و نظرات راست و ایورتونیستی  
عضو از رهبران را محکوم نموده و بر اساس این تحلیل برنامه سیاسی خود را تنظیم نماید. در تزهای لشکره چنین  
ارزیابی شده است:

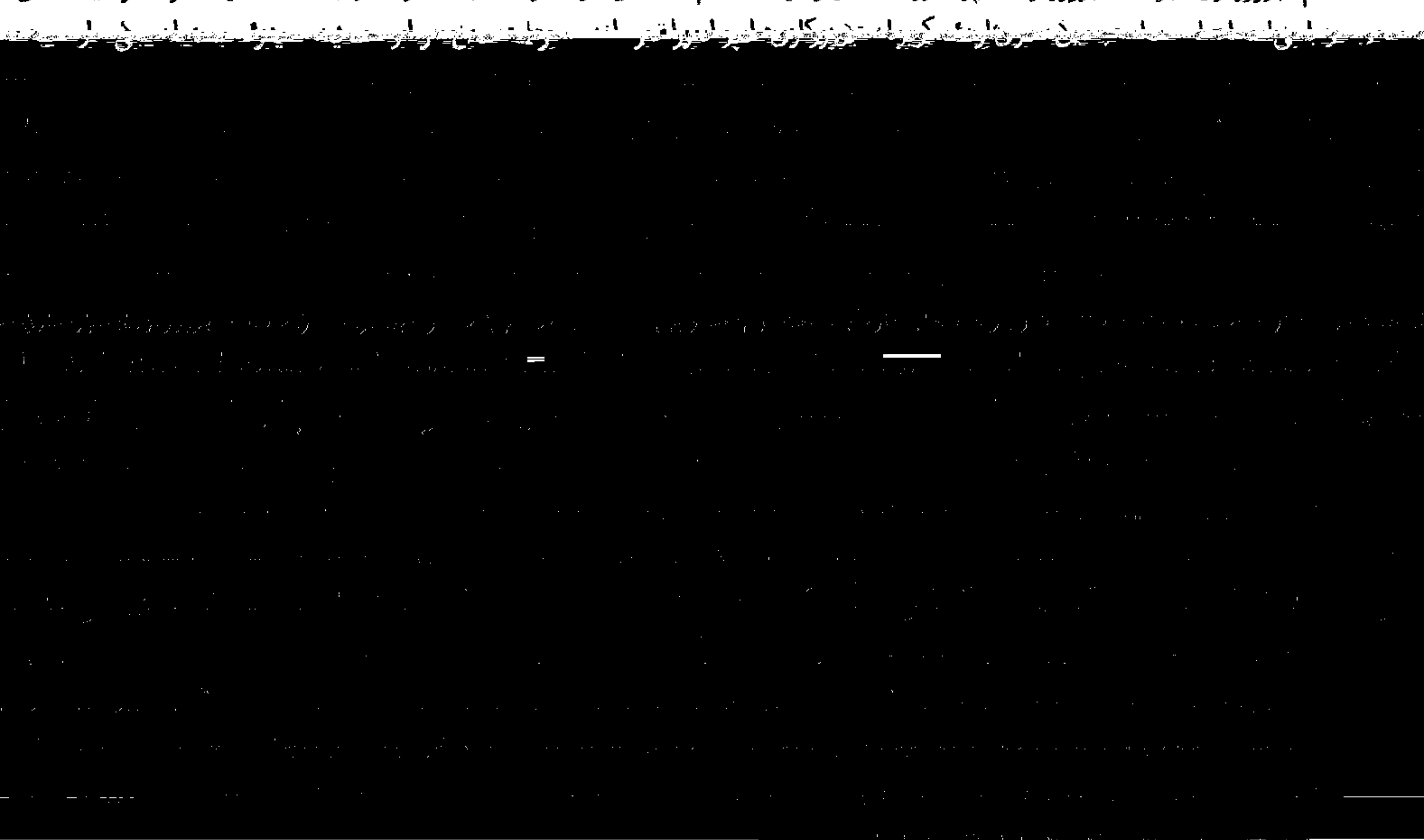
" ایران یکی از ممالک نیمه کنی است که هنوز رسماً و ظاهراً استقلال خود را حفظ کرده و در تحت تصرف دول معظمه  
شرطه دار در نیامده است. علت محفوظ ماندن این استقلال ظاهری نیز آنست که مخالفت شدید ما بین روسیه  
زاری و انگلیس امپریالیست مانع از این گردید که ایران کاملاً بصورت مستعمره در آید. پس از سقوط حکومت استبدادی  
پور و خارج شدن سربازان تزاری از ایران انگلیس بزودی تمام خاک ایران را بامید تصرف و مستملکه نمودن قطعی آن  
شغال نمود. قرارداد انگلیس و ایران در سال ۱۹۱۹ قاعدتاً میبایستی بتصرف انگلیس در ایران صورت رسمی بدهد  
ولی قوت و استحکام نیروی از یک طرف و توسعه روز افزون نهضت ملی انقلابی در خود ایران از طرف دیگر بریتانیا را  
جبور کرد که موقتاً از نیت خود ( تصرف فوری و غلبی ایران ) چشم پوشیده برای رسیدن باین مقصود راه های تازه دیگری  
بستجو کند. . . . . دولت بریتانیا وقتی که بعدم اعلان تصرف ایران بوسیله خشونت صرف و زور فقط یقین نسرد،  
مصمم نمود که در ایران مانند بین شهرین و مصر دست نشانده های خود را نصب کرده و بتوسط آنها بتدریج ولی  
ظور اساسی تسلط خود را محکم نماید. نودتای سید ضیاء الدین ( ۲۵ فوریه ۱۹۲۱ ) میبایستی برای امپریالیسم  
بر عهده او واگذار شده بود نتوانست اجرا کند. باین علت انگلیس مصمم گردید که بجای او  
را که آنوقت بلی هویتش نا معلوم و غیر معروف بود بر قرار کند."

سپس لشکره بر اساس این تحلیل به بررسی سیاسی و اجتماعی حکومت رضا خان و تعلق طبقاتی آن  
عده ای از رهبری را که معتقد بودند نودتای رضا خان " یک میدا جدید در تاریخ ایران معاصر  
رضا خان معنایتر سقوط حکومت قودال ها و استقرار حکومت بورژوازی است " بعنوان نظریه " ا  
ضد انقلابی " محکوم می کند.

لشکره باین تحلیل در مورد رضا خان میرسد که، رضا خان از روز اول با اتکا و بخواست سیاست  
وجود گذاشت. ولی برای اجرا نقشه خود رضا خان از همان اول گوشش نمود تا در داخل  
پیدا نماید. عدم تعلق بطبقات حاکمه، تظاهر به آزادیخواهی و میهن پرستی، مبارزه با روز  
انگلیس یا بعرضه  
شماره ایران تنیه گاهی  
میرم پوسیده قاجار که از

نظر انگیز ما را " تنگی و مقتضایه" خود را تمام کرده بود. " در حله" اول قشرهای نسبتا وسیعی از جامعه را بسوی خود متمایل ساخت. بورژوازی ملی ایران که همواره پسر از نالامی در انقلاب مشروطیت دنبال موقعیت برای تثبیت قدرتش میگشت، در وجود رضا خان چنین موقعیتی را یافت و رضا خان با " مواعیدی که به بورژوازی ملی میداد" توانست او را بخود جلب نماید. در تزه‌های کنگره چنین آمده است:

" رضا خان در هنگامی که برای تصرف کردن حکومت مبارزه میکرد حقیقتا کوشش نمود که به بورژوازی ملی اتلا نماید و حتی با عناصر جمهوری طلب و تشکیلات طبقه پرولتاریات نیز مفازله و عشوه فروشی مینمود اما عملیات او هیچوقت از دائره مبارزه برای تصرف حکومت در قالب رژیم فئودال و ملاکی خارج نشد. " پسر از مدتی خود رضا خان با غضب مقدار زیادی از املاک وسیع بدل بیزرگترین مالک ایران گردید و " باین طریق مظهر اراده" این مرتجع ترین طبقات گردید. طبقه مذکور هم بنوبه خود تله گاه امید بخش سلسله جدید میباید. "



کنگره بنظرنا صحیح دیگری که در درون حزب وجود داشت مبنی بر این که لاری که رضا خان کرده است صرفا یک کودتای درباری بوده است و هیچگونه محتوی طبقاتی نداشته جواب میدهد و آنرا رد میکند در تزه‌های کنگره چنین آمده است: " در این اشتباه محض است اگر کودتای رضا خان را مانند یک کودتای درباری تصور نمود. این کودتای درباری

۱- تشخیص درست مرحله انقلاب ایران :

و در مراکز سیاسی اساسی کلبه، بنیان طبقات ایران است.

۲ - تشخیص صحیح نیروی عمده انقلاب در ایران معاصر طبقه‌ای که عده‌اش از همه بیشتر است عبارت از طبقه دهاقین است. دهقانان در انقلاب آینده این سرزمین بی‌شک رکن قوی العماده مهمی را بازی خواهد کرد. وضعیت سیاسی و اقتصادی دهاقین ایران پیر از کودتای رضاخان رو به بدتری گذاشت، فقط قسمت بی‌اندازه کم دهاقین متعول ایران که منافعتشان با سرمایه صرافی و ربا خواری جدا مربوط است به حفظ رژیم رضا خان ذی‌علاقه می‌باشد. زیرا که این رژیم بیشتر از رژیم سلطنتی فاجار مصالح آنها را حمایت می‌کند. ولی اثرات قاطع توده دهاقین یعنی اثرات قاطع اهالی ایران معاصر بانقضای قوی مالکیت و کلبه رژیم سلطنت شاهانه علاقمند است.

۳ - تشخیص صحیح نیروهای محرکه انقلاب و نیروهای ضد انقلاب در ایران: "... در پرتو طبقات حاکمه امروزی مالکین و طرفداران ایشان و شرکایشان یعنی قسمت فوقانی بورژوازی ملی صرف آرائی کرده و در طرف دیگر کارگران، دهاقین صنعتگران، کسبه، بورژوازی کشور و قسمت اعظم بورژوازی متوسط ..."

۴ - تشخیص درست راه انقلاب ایران: " رژیم رضا شاه پهلوی امروز یک مانع عمده و اساسی برای پیشرفت دموکراسی ایران و تأمین کردن استقلال حقیقی آن در برابر امپریالیسم انگلیس می‌باشد. کلبه مبارزات کارگران و دهاقین برای دفاع منافع خود در مقابل رژیم استبدادی و استثمارنا محدود پیوسته مصروف با تعقیب و مجازات شدید از طرف رضاخسان می‌شود. و در مواقع مشکله بخصوص از طرف امپریالیسم انگلستان نیز سلطنت پهلوی علناً کمک می‌کند ( شورش خراسان ). این قلع و قمع‌ها و قصابیها بایستی آخرین اشتباهات را راجع بامکان ترقی صلح آمیز مبارزه طبقاتی در ایران محو نماید."

۵ - تألیف صحیح بلزوم اتحاد بین کارگران و دهقانان و رهبری پرولتاریا و حزب آن در انقلاب: " برای اجرا و پیشرفت فاتحانه انقلاب زراعتی مبارزه کردن دهاقین بتنهائی و منصرف کردن حکومت بدست خود در دهات و ضبط و تقسیم اراضی آریایی بین خود کافی نبوده بلکه لازم است که دهقانان با داشتن اتحاد محکم با طبقات انقلابی شهرها ( کارگران، صنعتگران و بورژوازی کوچک ) مبارزه خود را اجرا نمایند. تجربه شورش های اخیر زارعین ایران نیز نشان داد که کارگران، صنعتگران نه فقط در مبارزه انقلابی با آنها کمک مینمایند بلکه بنهضت های دهقانی متفکرین "ایدئولوگ های" می‌دهند. لازم است که در آینده انقلاب ایران در تحت رهبری فکری و تشکیلاتی پرولتاریات ( رنجبران ) تشکیل یافته و توسعه یابد."

۶ - توجه بیسط و تحلیم حزب از طریق مبارزه با اپورتونیسیم و فرمیسیم و توجه بیگانگی حزب و پیوند فشرده حزب با توده ها:

" درس و تجربه سیاسی که از مسئله کودتای رضا خان گرفته میشود عبارت از آن است که این کودتا مخصوصاً رژیم سیاسی که بعد از آن برقرار گردیده هر تصور واهی را راجع بامکان یک ترقی صلح آمیز مبارزه طبقاتی در ایران بر طرف نموده است. .... تاریخ در جلو حزب کمونیست ایران وظایف و مسئولیت های سنگین و مهمی را قرار داده است. مهمتر از همه این وظایف تهیه و رهبری انقلاب فاتحانه زراعتی است. برای این مقاصد حزب موظف است که تمام قوای خود را که عبارت از پیشقراولان پرولتاریات است جمع آوری نموده تشکیلات و حوزه های خود را از نو با فعالیت کامل بکار انداخته و روابط آنها را با طبقه کارگر و صنعتگران و دهاقین فقیر محکمتر نماید. حزب بایستی تمام وقت و کوشش خود را بر آن صرف کند که از جاده حقیقی اصول لنینی خارج نشده و در خط سیاسی خود دارای افکار روشن و قاطع باشد ..."

۷ - برخورد صحیح بمسئله ملی و تألیف روی حزب واحد کمونیستی: " در داخل ایران حالیه یک سلسله ملک مختلف ( عرب، ترک، ترمن، کرد و غیره ) زندگی میکنند که زحمتشان آنها در حقیقت از دو طرف زیر فشار، استثمار و ظلم واقع شده اند. از یک طرف اشراف و فئودان ها و رؤسای طبسی خودشان بآنها تعدی و اجحاف نموده و از طرف دیگر فشار و تعدیات سلطنت انگلیس و رضا شاه ایشان را در زیر بار شکنجه خود قرار داده و کمترین مقاومت را از جانب آنها دریافت می‌کنند."

این طبقه در وقت ستم و ظلم و استثمار و زحمتشان، این طبقه تأسیسی و مستحکم نماییست. در داخل و نافی باین ملک بفهماند که حزب کمونیست ایران یگانه طرفدار آزادی کامل ایشان از رضا شاه و انگلیس که مسبب اصلی اسارت و مظلومیت زحمتشان ملک کوچک و بزرگ ایران هستند تمام قوا و جدیت کارگران، دهاقین و مظلومین همه ملک که در سرزمین ایران زندگی میکنند

حزب موظف است که بط تحت فشار ظلم سلطنت می‌باشد. فقط از راه توح



ما متواسیم باین ارتعاش نبره و اسارت جانم با حاکم به شیم . . . . . " عرب کمونیست ایران با ممانعت و شکار عمومی  
تمام احزاب کمونیستی دنیا راجع به مسئله ملیت یعنی شمار خود هر طفت با استقلال کامل خود حتی محرا شدن از حکومت  
مرازی را جزو پروگرام خود قرار داده و موافق آن اقدام نماید ."

۸ - بر حورد به مسئله "انترناسیونالیسم"

"گفته عملیات حزب کمونیست ایران باید کاملاً با خصمیت بین المللی سلطت مربوط باشد . . . . .  
را تضامیات بین ممالک سرمایه داری و اتحاد جماهیر شوروی باری میشد . در اول سرمایه دار که در رأس آنها دولت است  
نشان گرفته و میباید بر اساس آن فکر کرد . . . . ."

همداری ( کارگران - دهقانان - بورژوازی کوچک ) در حزبی بنام "حزب  
را بدلائلی بعنوان وظیفه" سرم خود مطرح نمیکند .

تأسیس حزب انقلابی ملی موجود است اما نه این که این موضوع را از مسائل بومیه  
قدمات شده ، حزب کمونیست ایران حالا هنوز بسیار ضعیف بوده و فکر ایحاد  
تفاهم بین المللی را نمیتواند در نظر بگیرد . . . . ."

کار برای ایحاد رابطه با همه تشکیلات موجود کارگران ، دهاقین ، صنعتگران ،  
کوشش نموده و این روابط را با اصول تشکیلاتی مستحکم نماید . در زمینه  
مستجاب چپ تشکیل داده و بعد توسط همین دستجات که باید در فراسیونهای  
تکامل یافته با هم متحد شوند . . . . ."

شکل ائتلاف های موقتی و بعد بشکل ائتلاف های منمادی و دائمی انقلابی در آورده بالاخره پس از تهیه مقدمات  
تشکیلاتی و سیاسی و مسائل تأسیس حزب ائتلافی یعنی حزب انقلابی ملی ایران را فراهم آورد .

... " حزب کمونیست ایران تشکیل یک چنین حزبی را باید در صورت موجود بودن شرائط ذیل جزو مقاصد  
دهد ."

۱ - حزب انقلابی ملی ایران باید حزب اتحاد انقلابی کارگران و دهاقین و بورژوازی کوچک باشد .

۲ - اساس آن باید تشکیلاتی باشد که حزب کمونیست ایران در آن در رهبریت را بازی کند .

۳ - این حزب باید برصد استقلال سیاسی و تشکیلاتی حزب کمونیست ایران دست اندازی و اقدامات  
برای تنقیدات او از اشتباهاتی که در مبارزه انقلابی میشود وی را بخصمه نیاندازد ."

حزب کمونیست در این مورد همه حائنه مسئله را ندیده است . او از جنبه " واحد وسیع در مرحله " اعلام دسترا  
اتحاد اول را یاد آور میشود ( اتحاد کارگران - دهقانان و حرد بورژوازی ) و آنرا حاء جنبه " واحد میکند در

دوم یعنی پرولتاریا با بورژوازی ملی توحشی ندارد . در تز حزب کمونیست بدستی روی اتحاد اول  
آن تکیه شده است ، زیرا بدون ایحاد اتحاد اول و تقویت نیروهای مترقی جنبه " واحد یعنی کارگران و دهقانان  
بورژوازی ملی را مجبور بشرکت در جنبه " واحد کرد ."

۱۰ - شکره در تزه های خود قیام های آن سال ها را مورد ارزیابی قرار میدهد و نتیجه میشود .

... " این تزه ها باید در تزه های گذشته مقایسه شود . . . . .  
و بدون رهبریت و ارتباط با فرق انقلابی بظهور آمده اند . حزب کمونیست ایران با حاکمیت با تأسیس وضعی از ظهور همه

اهداف افراد را حل کرده بود همه قوای اقتصادی رهنشان را نه در عاقل محنت افراد مبارزه کنند بک سبب عمومی  
 انرژی اعلامی متحد بوده از حجاج شاه و انگلیس را محو کرده جنوب رهنشان را صفر نماید . علاوه بر این تحریرات  
 حمد سال استواران در عاقل در راه مافع خودشان خوبی بوده است فهاست که ظریف واحد این مبارزه فقط اغلب  
 داخلی است . عداوت این تدوین ها و فریادی ها برای ما در سر نیست بوده بلکه دلیل را در ماع ما جایگیر ساخته اند .  
 ۱ - برای فتح و توسعه اعدت رراعتی تنها مبارزه رهاست جهت بدست آوردن اقتدارات سیاسی در دهات و تصرف  
 زمین های اربابی ذاتی نیست ، بلکه برای این مقصد مساعدت اقتصادسوس شهرار واحیات درجه اول میباشد . ۲ - نهجیت  
 انقلابی در شهرها رواسی بوده با انقلاب خواهد شد که نوده کارگران ، صنعتگران و ورزشواری کوچک آنها تقویت نمایند .  
 ۳ - کارگران و صنعت گران به این که بدهاقتین در راه مبارزه انقلابی مساعدت کرده و میکنند بلکه اغلب فائدین آنها  
 هم از میان کارگران و صنعتگران در آمده اند . ۴ - یکی دیگر از شرایط فتح اغلب رراعتی انتشار افکار انقلابی در میان  
 قشون و ظرفداری قشون از انقلابیون است .

شکره دوم حزب کمونیست ایران یکی از صفحات درخشان و مهم مبارزات اقتصادی ضربه کارگر ایران است . این شکره با  
 بر خوردی عمیق فعالیت های چند ساله حزب در بسیاری از مسائل استقامت نمود را باز شناخت و منقح صحیح در پیش  
 گذارد . شکره توانست وحدت ایدئولوژیت ، سیاسی و تشکیلاتی سینا محلی بوجود آورد . همانطور که از تزه های آن  
 نتیجه میشود حزب قادر شد مرحله انقلاب ، نیروی عمده ، انقلاب ، نیروهای محرکه ، انقلاب ، راه قهر آمیز مبارزه تحت  
 رهبری حزب برای فتح قدرت باشد . و تثبیت قدرت در تهران و سایر شهرها . این نتیجه است  
 ایورتونیسیم و رفرسیم در درون حزب را تا اندازه زیادی باز شناسد . مهمترین دست آورد این شکره  
 رهبری انقلاب فاتحانه ، رراعتی بنامه مهمترین وظیفه حزب بود . اما شکره در یک مسئله عمده دارای ک  
 عدم درک راه محاصره شهرها از طریق دهات بود که از خصالت نیمه مستعمره و نیمه فئودال جامعه ایران  
 ککره در حقیقت عمقا به مسئله رشد نا موزون انقلاب در ایران ، مسئله ایجاد پایگاه های روستائی و پی  
 انقلاب دست نیافت . بهمین علت در تزه های ککره جهت احیا سازمان های حزبی بین کار در شهر و  
 تعیین نمیشود و سمت کارها بدرستی معین نمیگردد . در حالی که حزب میبایستی در این زمان ، سمت  
 خود را انتقال ثقل خود بروستا بگذارد ، توجه بیشتری بکار در میان پرولتاریا و در شهرها دارد .

فعالیت های حزب پسر از شکره دوم تا سرلوب حزب ۱۹۳۱

پس از شکره دوم حزب موفق شد سازمان های خود را در بعضی از نقاط کشور گسترش داده و تقویت  
 برای کار در میان جوانان ، دهقانان ، ارتش ، زنان و غیره از طرف کمیته مرکزی مسئولین انتخاب کردید  
 سازمان جوانان حزب را بر کردید و از طریق ایجاد اتحادیه های محصلین و کارهای فرهنگی دست بفعال  
 زد . در تهران اتحادیه محصلین نفوذ زیادی در مدرسه دارالفنون و طب بدست آورد و توانست اعتما  
 روزه شاگردان دارالفنون را در سال ۱۳۰۶ رهبری نماید . در تهران از طریق اتحادیه های محصلین که  
 بیسوادی تشکیل شد . حزب موفق شد تا اندازه ای در ارتش نفوذ کند و روابطی برقرار نماید .  
 عمده و مهمترین فعالیت حزب در بین کارگران بود در دو نقطه تمرکز کارگری ایران در آنوقت ، صنایع  
 صفهان حزب تشکیلات مخفی خود را گسترش داد .

فعالیت در جنوب

اتحادیه کارگران نفت جنوب در سال ۱۹۲۵ با کمک برخی از فعالین حزب بوجود آمده بود ولی  
 نشان نمیداد . در نتیجه حزب در سال ۱۹۲۷ در صدور ایجاد تشکیلات مخفی میان کارگران نفت جنوب  
 نسبتا محلی ایجاد نمود . در اواخر سال ۱۹۲۷ از طرف این سازمان در اثر اقداماتی که انجام شده  
 محفی اتحادیه های کارگری با شرکت ۲۰ نفر نماینده تشکیل شد . شفرانس تصمیم گرفت بر علیه اختلاف  
 کمپانی نفت در میان کارگران انداخته مبارزه نموده و کارگران را برای مبارزه متشکل نماید و سازمان خود را  
 در اواخر ژانویه ۱۹۲۹ ( ۱۳۰۷ ) در اثر اقدامات کمیته ایالتی حزب دوسمین کفرانس اتحادیه های کارگرا  
 تشکیل شد . مطابق مندرجات محله " ستاره سرخ " " عده اعضا " اتحادیه در آنوقت سه هزار نفر بود .  
 بر تصمیمات تشکیلاتی مثل بسط سازمان و غیره یک رشته تصمیمات سیاسی نیز اتخاذ نمود از جمله ، تجدید  
 نفت جنوب ، اعتصاب در اول ماه مه و غیره .

مبارزه تپه  
 تعیین تهیه و  
 نبود بود و آن  
 ناشی میشود .  
 شرف من وار  
 ده حد فاصلی  
 فعالیت های  
 میت نماید .  
 دند .  
 میت نسبتا وسیعی  
 ب مهم سیزده  
 لاس اکابر و رفع  
 نفت جنوب و  
 فعالیتی از خود  
 ب بر آمد و سازمان  
 بود شفرانس  
 و نفاقی که  
 توسعه دهد .  
 ن نفت جنوب  
 کفرانس علاوه  
 بد نظر در امتیاز

کمانی موفق شد جریان اعتصاب را قبل از اول مه کشف نماید و در ۲۹ آوریل شبانه ۹۳ نفر از فعالین کارگران عضو اتحادیه را توقیف نمود و در نتیجه اعتصاب اول ماه مه عقیم ماند. ولی کارگران توانستند روز ۴ ماه مه اعتصاب بزرگ خود را که در حقیقت نخستین اعتصاب بزرگ کارگران ایران بود و تاثرات زیادی روی آگاهی کارگران گذاشت صورت دهند.

### فعالیت در اصفهان

حزب توانست تشکیلات مخفی خود را در اصفهان گسترش دهد. بیشتر فعالیت در اصفهان در بین کارگران نساجی بود. در ماه مه ۱۹۳۱ چهارصد نفر از کارگران بزرگترین کارخانه نساجی آنوقت اصفهان کارخانه "وطن" متشکل شده و درخواست های ۱۳ گانه خود را از جمله اضافه دستمزد، تقلیل ساعت کار روزانه از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت پیش گذاشتند. کارفرمایان درخواست های کارگران را رد کردند ولی بر اثر اعتصاب و مبارزه بالاخره کارفرمایان مجبور بعقب نشینی شدند و کارگران به پیروزی رسیدند.

حزب در نقاط دیگر از جمله خراسان - گیلان و قزوین نیز فعالیت داشت. باختصار در زیر خراسان و گیلان را شرح میدهم:

### فعالیت در خراسان

در اواخر سال ۱۹۲۸ رفتائی برای کاربان سامان فرستاده شدند و کم تشکیلات خراسان مخصوصا مشهد رونق گرفت. طی مدت دو سال نهضت اتحادیه ای در شرائط مخفی رشد نمود. مرکز فعالیت حزب در بین کارگران قالی باف بود. تشکیلات جوانان نیز در خراسان بوجود آمد. در مشهد کمیته ایالتی خراسان مجله ای با دست نوشته بنام "کمونیست" منتشر میکرد. در این مجله مسائل سیاسی و

در پایا - باف بعد از فعالیت

در سال ۱۹۳۰ تشکیلات خراسان دوگانه شد، عبدالحسن دهمزاد (حسابی) و علی اکبر فرهودی کارگر قالی را برای انتخابات مجلس کاندید کرد. علی رغم شرائط مشکوک و ارتجاعی این دوگانه ها رأی آوردند. از این جریان پلیس متوجه فعالیت کمونیست ها در خراسان گردید و شروع بدستگیری کارگران نمود.

### فعالیت در گیلان

در سال ۱۹۲۷ فعالیت کمونیست ها در گیلان شکل گرفت. اتحادیه های زیادی در گیلان بوجود آمد از قبیل "حلی سازها"، کارگران انبار نفت، کلاه دوزها در رشت. در رشت و پهلوی سازمان جوانان کمونیست تشکیل مشغول فعالیت گردید. در سال های ۲۷ - ۲۸ بین دهقانان اطراف شهر، بین رشت و پهلوی، رشت و سایر دهات اطراف شهر رشت فعالیت شد. اما این فعالیت مرتبط، مرتب و همگانی نبود. حزب موفق بتشکیل

اتحادیه های جدید و تقویت اتحادیه های موجود در بندر پهلوی شد. بموازات کار در داخل کشور در خارج نیز سلطان زاده از طرف کمیته مرکزی دست با ایجاد مرکزی در ارومیه زد. تحت نظر این مرکز روزنامه "پیکار" در برلین و مجله "ستاره سرخ" در وین منتشر میشد.

بعد از تاجگذاری رضا خان، اولین سرکوب تشکیلات کمونیستی آغاز گردید و با رشد قدرت حزب دانه سرکوسی شد. در ۱۷ خرداد ۱۳۱۰ قانون ننگین ضد کمونیستی را وضع کردند و بدین وسیله زمینه را برای سرکوب قطعی بوجود آوردند. در همان سال پلیس سازمان حزب دست یافت و اکثر اعضا کمیته مرکزی زندانی شدند و بدین کمیته مرکزی و سازمان حزب در ایران متلاشی گردید.

چرا حزب کمونیست با تمام فداکاری های اعضا و هواخواهانش موفق نشد که نیروهای خود را حفظ کند و آنرا توسعه دهد؟ چرا در مقابل یورش ارتجاع تشکیلاتش در هم شکسته شد و امکان هیچگونه مانوری را در مقابل نداشت؟ در برخورد به تزه های شکره دوم یاد آور شدیم که حزب با تمام موفقیت بزرگش در شکره دوم قادر راه مشخص انقلاب در کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فئودال، یعنی راه محاصره شهرها از طریق دهات پاسخ با این که شکره دوم حزب کمونیست ایران در همان سالی تشکیل میشود که رفیق مائوتسه دون راه عمومی رهائی برای کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را با قیام درو پائیزی و کشاندن مبارزه بمناطق روستائی و برقراری های انقلابی در آنجا نشان میدهد، مع الوصف حزب کمونیست ایران قادر نیست بدستی تجربیات گذشته انقلاب خلق های ایران و تجربه ویژه خود را جمع بندی کند و راه محاصره شهرها از طریق دهات را در پیش علت عمده شکست حزب را باید در این موضوع جستجو کرد.

★ بهتر کردن "توده" بستگی کامل به پشتیبانی  
 خوانندگان انقلابی آن دارد. امیدواریم که با  
 ابتکار خود بتوانید بما از لحاظ معنوی کمک  
 کنید. اخبار و اطلاعات برای ما بفرستید. از ما  
 انتقاد کنید. نظر بدهید و نظر بخواهید.

خواننده! این نشریه متعلق شماست. نظرات و انتقادات خود  
 را حتما برای ما بفرستید. از اوضاع محل کار خود و اخباری که از  
 گوشه و کنار میشنویید ما را باخبر سازید. پس از خواندن در صورت  
 امکان نشریه را به آشنایان و دوستان خود بدهید. همچنین  
 ما را با کمک مالی خود یاری دهید.

آدرس پستی ما:

نشانی  
**توده و ستاره سرخ**  
 Mme PAOLA DI CORI  
 C. P. 493 S. SILVESTRO  
ROMA  
 ITALY

آدرس پستی ما  
 Laura Hegel  
 Banca Popolare  
 Svizzera  
 414. 595. 2793  
 LUGANO-SUISSE

بد تذکر مهم:

- ۱- این آدرس برای تماس تشکیلاتی نیست.
- ۲- از کلیه کسانی که با ما مکاتبه میکنند خواهش داریم از بردن نام خود، مشخصات خود و باطرح کردن  
 مطالبی که از لحاظ منفی کاری بضرر جنبش است، خودداری نمایند. زیرا امکان بازرس پست ما  
 و کنترل آن توسط پلیس زیاد است. ولی این بدان معنی نیست که از طرح انتقادات و پیشنهادات  
 خود پرهیز کنید. هر مطلب سیاسی و اطلاعاتی را که جنبه تشکیلاتی نداشته باشد، میتوانید به  
 آدرس بالا ارسال دارید.

\* \* \*

انقلاب قهرآمیز را در باطن خلق های ایران است